



ت

تابش، علی (Ali Tábeš) : زنده یاد علی تابش، خواننده، هنرپیشه بزرگ تاتر و سینمای ایران که در تکیه زرگرهای تهران بدنیا آمد. علی تابش کار هنری اش را با پیش پرده خوانی در جامعه باربد شروع کرد و بخاطر صدای خوبی که داشت اجرای نقش اول نمایش موزیکال آرشین مالالان را به او محول کردند. علی تابش فیلم های بسیاری را بازی کرد که موفق ترین آن ها، "مادموازل خاله" بود. او سال ها در برنامه صبح جمعه رادیو به هنرنمایی پرداخت.

تابور (Tábur) : از آلات کوبه ای که از شرق به غرب راه یافته و تامبور **Tambur** نام گرفته است.

تاپدوق (Tápuq) : نوازنده و استاد تعلیم آواز و از عاشیق های معروف قره داغ آذربایجان است.

تاج (Táj) : یکی از قسمت های ساز سرود یا قیچک. سرود دارای پنج قسمت می باشد، لطفاً برای اطلاع بیشتر به سرود یا قیچک نگاه کنید.

تاج اصفهانی، جلال (Jalál Táj-Esfeháni) : جلال تاج اصفهانی در سال ۱۲۸۲ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. پدرش، شیخ اسماعیل، معروف با تاج الواعظین بود که صدائی جذاب داشت. استاد هائی که جلال را آموزش دادند عبارت بودند از: نایب اسداله، نوازنده چیره دست نی، میرزا حسین ساعت ساز، خواننده نامی آن روزگار، مهدی نوائی، نوازنده ماهر نی، حبیب شاطرچی، خواننده مشهور سال های ۱۳۰۰ خورشیدی، میرزا حسین عندلیب و سید عبدالرحیم اصفهانی، از استاد های معروف هنر آواز. جلال تاج اصفهانی، در بیست سالگی از چنان معروفیتی برخوردار گردید که مشابه آن در دیگر هنرمندان بسیار کم بود. در حقیقت اولین مکان برای اجرای آواز جلال تاج اصفهانی، حاشیه رودخانه زاینده رود اصفهان بود. پس از اصفهان، جلال تاج اصفهانی، راهی تهران شد و در این شهر صفحاتی از او تولید و پخش گردید. کنسرت های متعددی از جلال در نقاط مختلف ایران، منجمله؛ تبریز، شیراز برگزار گردید. از آغاز تاسیس رادیو، همکاری تاج اصفهانی با این سازمان آغاز و وقتی رادیو اصفهان تاسیس شد، او به اصفهان باز گشته و با سمت سرپرستی نوازندگان بکار خود ادامه داد. تاج اصفهانی، ردیف های موسیقی ایران را بخوبی فرا گرفته بود و از استادان مسلم آواز بشمار می رفت.

در روز جمعه ۱۳ آذر ماه ۱۳۶۰ خورشیدی، ساعت ۹ شب، جلال تاج اصفهانی، خواننده بزرگ موسیقی ایران در سن ۸۵ سالگی دیده از جهان فرو بست و صدائی پس از ۷۰ سال خواندن خاموش شد.

تاج الدین باخرزی (Tāj-eddin Bāxerzi) : از شاعران دوره آل سلجوق است (نیمه دوم سده ششم).

تاج السلطنه (Tāj-ol-saltane) : خواهر مظفرالدین شاه که از شاگردان درس پیانو استاد محمود مفخم، ملقب به مفخم الملک بود.

تاج الواعظین (Tāj-ol-vāwezin) : شیخ اسماعیل، پدر استاد تاج اصفهانی که از صدای بسیار گرم و جذابی برخوردار بود.

تاج الواعظین، حاج تاج نیشابوری (Hāj Tāj Nišaburi Tāj-ol-vāwezin) : از روضه خوان های خوش آواز که اهل موسیقی، او را هنرمند بزرگی می دانند. حاج تاج نیشابوری اعتقاد داشت که اکثر شنوندگان وعظ نادان هستند و نمیدانند واعظ چه می گوید. او شرط بسته بود که سر منبر اباطل و مزخرف هائی بیافد و چنان آن کلمات مهم را با آواز خوش بگوید که کسی متوجه نشود و بارها این کار را کرده و برنده شده بود. در مورد دیگر؛ روزی جمعی از دوستان تاج در باغ سالاریه رشت، مجلس بزمی داشتند، او سرزده وارد و با گرفتن ضرب، شعر مصیبت می خواند و همه را به رقص وای دارد و آنگاه ترانه ای شاد را با مصیبت خوانده و همه را به گریه می اندازد.

تاج بخش، اکرم (Akram Tāj-baxš) : دختر عموی استاد محمود تاج بخش و همسر استاد جهانگیر برزین که از صدای زیبایی برخوردار و به کلیه ردیف های موسیقی سنتی ایران آشنائی کامل دارد.

تاج بخش، جعفر (Jawfar Tāj-baxš) : معلم موسیقی در آموزشگاه های موسیقی تهران.

تاج بخش، کریم (Karim Tāj-baxš) : از شاگردان ممتاز درویش خان که استاد مسلم تار بشمار می رفت. کریم تاج بخش، عموی، استاد محمود تاج بخش هستند و صدائی زیبا داشتند.

تاج بخش، محمود (Mahmud Tāj-baxš) : نوازنده چیره دست ویلن و از شاگردان استاد ابوالحسن صبا. در سال ۱۳۲۳ روح اله خالقی یک ارکستر بزرگ ایرانی با شرکت ۲۹ نفر نوازنده زبردست تشکیل داد که تا آن تاریخ سابقه نداشت. یکی از اعضای این ارکستر، محمود تاج بخش بود.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الضای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zale)

محمود تاج بخش در هنرستان عالی موسیقی ایران تدریس ویلن می کردند. استاد تاج بخش، ضمن نوازندگی ویلن، استاد مسلم سه تار نیز بود.

استاد محمود تاج بخش، در سال ۱۳۰۳ خورشیدی بدنیا آمد. اولین معلم او، عمویش، کریم تاج بخش بود. در شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی، هنرستان موسیقی دولتی، کلاس های شبانه ای دایر می کند و محمود تاج بخش در رشته ویلن پذیرفته می شود. همکاری این هنرمند ارزشمند با ارکستر انجمن موسیقی ملی، ارکستر شماره ۱ رادیو، ارکستر گلهای رادیو، ارکستر شماره چهار هنرهای زیبا، و تدریس سه تار، در مکتب صبا، هنرستان موسیقی ملی، مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، تدریس ویلن در هنرستان موسیقی ملی، هنرستان آزاد موسیقی و فعالیت های بیشمار دیگر در طول ۵۰ سال، در خور سپاس است.

تاج بخش، مهدی (Mehdi Táj-baxš) : شاعر و ترانه سرای قدیمی که همکاری نزدیکی با استاد جهانگیر برزین داشت.

تاج، حاجی (Háji Táj) : از خوانندگان مشهور سال های ۱۳۰۰ خورشیدی و پس از آن و همدوره؛ سید احمد خان، علی خان نایب السلطنه و قربان خان.

تاج میری، علی (Ali Táj-miri) : خواننده ترانه های محلی فارس. از نمونه کارهای این خواننده می توان به آلبوم: "آرمون" اشاره داشت.

تاجیک (Tájik) : خواننده جوانی که در تهران فعالیت دارد، از او آلبومی بنام همکلاسی در دسترس می باشد. تاجیک را نیایستی با خواننده قدیمی و مشهور ایران امان اله تاجیک اشتباه گرفت.

تاجیک، امان اله (Amàn-olláh Tájik) : امان اله تاجیک خواننده مشهور و موفق دهه ۱۳۵۰، در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. تاجیک، پس از تحصیلات متوسطه، به کلاس آزاد هنرستان موسیقی رفت و مدت ۴/۵ سال در کلاس عود، زیر نظر؛ نصراله خان زرین پنجه مشغول فراگیری این ساز شد. امان اله تاجیک، ضمن یادگیری عود، به فراگیری پیانو نیز اهتمام گزید و موفق به دریافت دوره چهار ساله لیسانس رشته کارشناس موسیقی ملی گردید.

اولین ترانه ای که او اجرا کرد "رود کارون" بود که آهنگ و شعر آن را جمشید احمدی سرپرست رادیو اهواز ساخته و سروده بود و با عود تنها و آواز اجرا گردید. پس از اولین ترانه، تاجیک، حدود ۵۰ آهنگ خواند که از مشهورترین آن ها می توان به "نخلستان"، "دام بلا"، "ساقی"، "جام"، "سفر"، "میگون"، "مرغ نیمه شب"،

"بحر خزر"، "فریبا"، "مجنون"، "قصه دل" و "خاطره" اشاره داشت. زنده یاد امان تاجیک، در تاریخ ۱۴ مهر ماه ۱۳۶۶، در سن ۵۰ سالگی بواسطه سکته مغزی، چشم از جهان فرو بست.

تاجیک، حسین (Hoseyn Tajik) : نوازنده ابوا در ارکستر هنرستان موسیقی تهران.

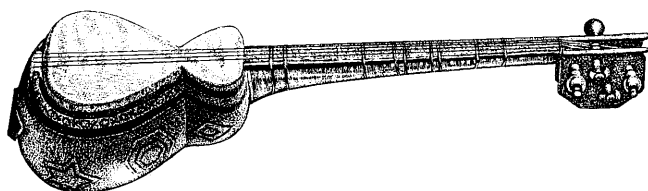
تار (Târ) : در قدیم، به سیم ساز می گفتند. تار به معنی؛ زه و ابریشم در آلات زهی هم می آید.

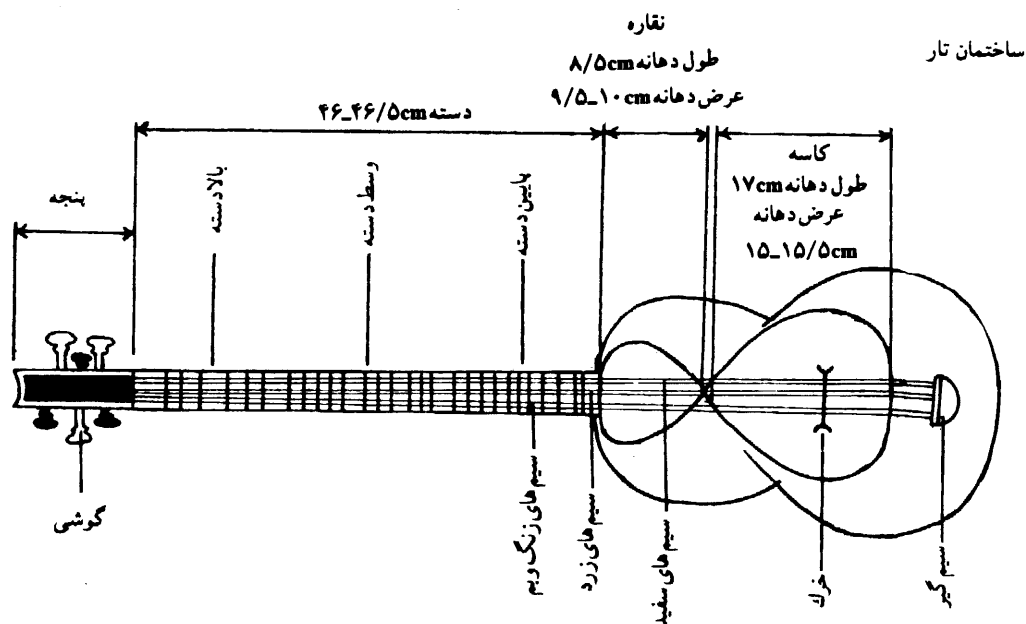
تار (Târ) : آلتی است در موسیقی که معمولاً از چوب توت می سازند. این ساز، از اصیل ترین و معمول ترین سازهای ملی ایران است. تار، سازی است چوبی با دو کاسه و دسته بلند. کاسه بزرگ و کاسه کوچک را نقاره می گویند که بر روی آن پوست کشیده شده است.

ایرانیان تار را در مقابل عود ساختند. تار به شکل امروزی، سابقه طولانی ندارد. در زمان صفویه، نوازنده ای بنام: استاد شهنسوار چهار تاری، همانطوری که از لقبش پیداست، چهار تار می نواخته. تار شش سیمه را منسوب به رضاالدین شیرازی می دانند. میرزا حسین قلی با تار ۵ سیمه می نواخته و درویش خان با تار ۶ سیمه مانوس بوده و پس از درویش خان، تار ۶ سیمه مورد استفاده قرار گرفت.

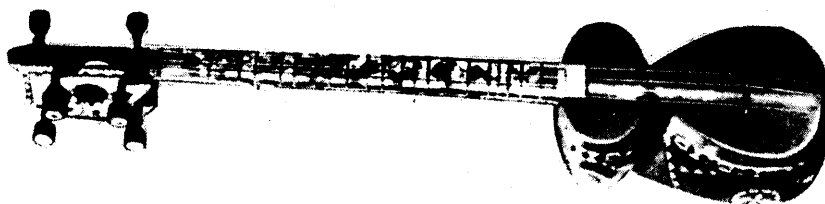
تار سازان مشهوری چون استاد یحیی، استاد فرج اله، ملکم، شاهرخ اقدام به ساختن تارهای ۶ سیمی نمودند. تار با مضرابی متشکل از یک تیغه فلزی آمیخته با موم نواخته می شود و از لحاظ صدا دهی از انواع کامل آلات موسیقی ایرانی است.

نقصی که در این ساز وجود دارد، در سیم های قسمت بالاست (دو سیم سوم) که هنگام حرکت نزولی یا صعودی یک جمله یا پاساژ از سیم سوم به دوم یا بالعکس، نوعی دورنگی طنین مختلف سیم ها ملاحظه می شود. لذا برای از بین بردن این نقص، سیم های مذکور را از نوع سفید و زرد و با کوک اکتاو انتخاب می کنند. وزن تار بین ۱۷۰۰ تا ۲۱۰۰ گرم است. در زیر ساختمان تار مشاهده می شود.





تار آذربایجانی [Tare Azarbaijani]: تاری با مشخصات خاص که در موسیقی آذربایجانی مورد استفاده است. این تار توسط: صادق خان اسد اوغلی در ۱۵۰ سال پیش در قره باغ ساخته شد. این تار شبیه تار موسیقی ملی ایران است، اما در جزئیات سیم ها و پرده ها، وسعت و طریقه نواختن متفاوت است. از ۱۱ سیم موجود در آن، شش سیم مختص انگشت گذاری، یک سیم بم، چهار سیم به نام سیم زنگ یا جینگره است. از بیست و دو پرده، فقط پنج پرده، اجرای فواصل ثلث پرده را می پوشاند و محدوده دو نیم اکتاو این ساز با افزودن سه پرده، وسعت یافته است. دسته این ساز، پهن تر از تار معمولی و دارای ۹ گوشی است. کاسه طنین آن پشت صاف می باشد و مضراب آن از شاخ گاومیش ساخته می شود.



تار آلتو [Tare Alto]: نوعی تار است که سیم های آن یک چهارم از تار معمولی بم تر کوک می شود. ابداع کننده این روش، استاد علی نقی وزیری است. این ساز، با مضراب سه گوشه کائوچویی به سبک ماندولین نواختن می شود. قبلاً برای سیم های آن از روده استفاده می کردند، ولی امروزه از سیم ویلن سل سود می برند.

تار باس [Tàre Bâs] : تاری است مانند تار آلتو که علی نقی وزیری ابداع نمود.

تارا [Tàrà] : خواننده جوان و خوش صدای ساکن لُس آنجلس که از او آلبوم "آئینه" در دسترس می باشد.

تارپین [Tàrpin] : از سازهای زهی زخمه ای که با مضرب پلاستیکی نواخته می شود. این ساز دارای ۱۰ تا ۱۱ سیم بوده و فاقد دسته و سراسر است. این ساز، توسط هنرمند گرانقدر ایرانی، آرداشس تارپینان اختراع شده است.

تارپینان، آرداشس [Àrdâses Tàrpinyàn] : موسیقیدان، آهنگساز، نوازنده و استاد تعلیم موسیقی با تالیفات متعدد که بیش از ۵۰ سال به موسیقی ایران خدمت نموده است. آرداشس، در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در داغستان روسیه بدنیا آمد. در یکسالگی همراه با خانواده اش به ایران آمد. او برای فراگیری موسیقی، از مکتب استادان برجسته ای نظیر: آشوت آروستامیان، نواختن تار قفقازی. از رافائیل مسروپیان، ماندولین بانجو. از رویک گریگوریان، ویلن. از ژرژ، آکوردئون. از اروین موره، جاز گیتار. از میسیو سوله، گیتار کلاسیک. از مادام کارمی اتریشی، پیانو و از پرویز منصوری، هارمونی، سود جست.

آرداشس تارپینان، تا کنون بیش از یک هزار آهنگ ساخته و تنظیم نموده است. بیشتر فعالیت این هنرمند گرانقدر در گیتار و پیانو است. او ساز جدیدی بنام "تارپین" اختراع کرده است. برخی از تالیفات این هنرمند عبارت از: "گلچین آهنگ های ۱ و ۲"، "خود آموز ارگ، پیانو با نوارهای مربوطه"، "خود آموز گیتار و جاز با نوارهای مربوطه"، "خود آموز گیتار کلاسیک با نوارهای مربوطه"، "خود آموز آکوردئون"، "تئوری موسیقی و مقدمات هارمونی"، "گام، آکورد، آرپژ، ریتم برای پیانو و ارگ"، "گام، آکورد، آرپژ، ریتم برای گیتار"، "فرمول تارپین (روش ساختن آکوردهای ۵ - ۷ - ۹ - ۱۱ - ۱۳ از پایه های مختلف)".

تارپینان، آرمن [Àrmen Tàrpinyàn] : آرمن تارپینان، فرزند هنرمند گرانقدر، آرداشس تارپینان، در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در دوران دبستان، تحصیلات هنری خود را در کنسرواتوار تهران آغاز کرد و در رشته رقص های باله ملی ایران و کلاسیک و نواختن پیانو شروع به کسب این هنرها نمود. او مدت ۸ سال تحت نظر "دونارنچر" که یک موسیقیدان مشهور چکسلواکی است به فراگیری و نواختن پیانو پرداخت. آرمن، در کنار پیانو در نواختن: گیتار، آکوردئون، ارگ و سازهای ضربی از مهارت بسیار بالایی برخوردار است.

تار تخت (Tàre Taxt) : سابقاً تار را بهنگام نواختن در روی سینه می‌گرفتند و از زمان یحیی دوم تار ساز، برای نواختن این ساز، آن را روی پا و ران می‌گیرند. وقتی تار را روی سینه می‌گرفتند، کاسه تار از پشت به صورت صاف تر و تخت تر ساخته می‌شد و به تار تخت معروف بود.

تارچی، حاجی خان (Haji Xán Tàrci) : نوازنده مشهور تار در لاهیجان که اوج فعالیتش سال‌های پیش و بعد از ۱۳۰۸ خورشیدی بود.

تارخانیان، والودیا (Valodya Tàrxányàn) : استاد و نوازنده چیره دست ویولا که سالیان دراز در هنرستان عالی موسیقی به تدریس ویلن می‌پرداخت. ساز تخصصی این استاد گرانقدر، ویلن آلتو است. استاد تارخانیان، سال‌ها با سمت استادی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به آموزش موسیقی اشتغال داشته و دارند.

تار سُپران (Tàr Sopràn) : سازی است از خانواده تار که کاسه و دسته آن اندکی کوچکتر و کوتاه تر از تار تنور است و یک چهارم زیرتر از تار معمولی کوک می‌شود.



تار سُپرانو (Tàre Sopràno) : تار کوچکی که یک پنجم بالاتر از تار معمولی کوک می‌شود.

تاره (Tàre) : به معنی تار ابریشم و تار چنگ است.

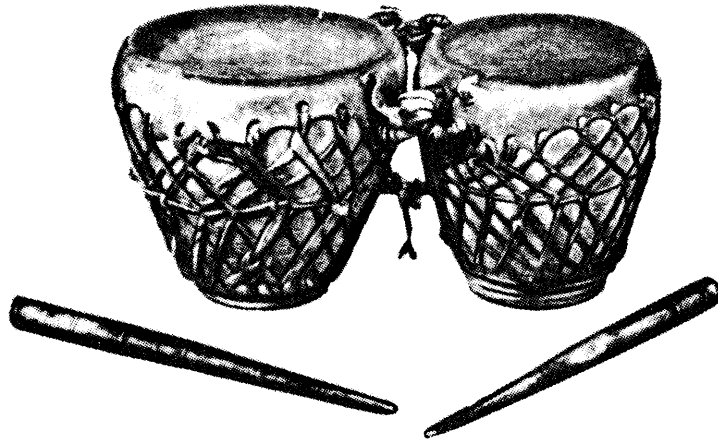
تاریخ موسیقی ایران، جلد اول، کتاب

[Ketàbe Tàrixè Musiqiye Iran, Jelde Avval] : نوشته زنده یاد استاد حسین علی ملاح. از انتشارات مجله هنر و مردم. تهران، ۱۳۵۵ خورشیدی.

تاریخ موسیقی نظامی ایران، کتاب [Ketàbe Tàrixè Musiqiye Nezàmiye Iran] : نوشته زنده یاد حسین علی ملاح. از انتشارات مجله هنر و مردم. تهران، ۱۳۵۴ خورشیدی.

آ,â A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám)
Z,z زاله (Žale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdàn) I,i ایران (Iràn) وات‌های (الفای) نوبن برای درست خواندن

تاس (Tàs) : دو نوع از آلات کوبه ای در موسیقی قدیم. نوعی از آن رزمی و متشکل از تاس و کاسه ای است با پوستی مستقر در دهانه آن و نوع دیگر، تعدادی تاس فلزی است با ابعاد مختلف و بدون پوست. تفاوت تاس با کوس، در حجم کوچکتر و جنس پوست نرم (بدون دباغی) آن است. نوعی کوس مضاعف در پاره ای از روستاهای ایران معمول است که به آن تاس می گویند.



تاس (متداول در کردستان ایران)

تاکت (Tàkt) : میزان، ضربه، وزن، زمان.

تاکستانی، مهدی (Mehdi Tàkestàni) : زنده یاد مهدی تاکستانی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در همدان بدنیا آمد. در کودکی بخاطر، مصاحبت پدرش، آمیرزا حسین با شاعر گرانقدر، عارف قزوینی که ضمن سروده های زیبایش، از صدای خوب و پنجه شیرین در نواختن سه تار بهره مند بود، مهدی با هنر موسیقی آشنا شد. در سن ۱۱ سالگی، بدستور ناظم مدرسه شرافت همدان، محمودی، بچرم نواختن تار، فلک شد و ۲۵ ضربه چوب آلبالو به دست هایش زدند تا دیگر ساز نزنند. پس از تحصیلات ابتدائی، مهدی تاکستانی همراه با خانواده اش به تهران رفت و در چهار راه حسن آباد ساکن می گردند. در محله آن ها، مغازه استاد رمضان شاهرخ، سازنده تار قرار داشت که در آن زمان هر تار را بمبلغ ۵ تومان می فروخت. مهدی تاکستانی در سال ۱۳۱۹ خورشیدی توانست با تهیه ۴۵ ریال، سازی از استاد شاهرخ بخرد. تمرین های مهدی تاکستانی باعث شد که همسایه ها از دست او به کلاتری شکایت کنند. در سال ۱۳۲۲ خورشیدی، رادیو ایران اعلام کرد که به تعدادی نوازنده نیاز دارد. در روز آزمون، ۲۷ نفر شرکت کردند که تنها مهدی تاکستانی قبول شد. در آن زمان هیئت انتخاب کننده عبارت بودند از: ابراهیم خان منصوری، علی نقی

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyâm)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irân) I,i وحدان (Vojdân) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zâle) Z,z

وزیری، موسی معروفی، علی اکبر شهنازی، عبدالحسین شهنازی، ابوالحسن صبا، حسین علی وزیری تبار، جناب دماوندی، رحیم قاشقی، ادیب خوانساری، غلامحسین بنان، حسین علی ملاح، مهدی مفتاح، تاج اصفهانی، اقبال آذر و مستعان که رئیس هیئت بود.

مهدی تاکستانی در سال ۱۳۲۴ با حقوق، ماهیانه ۴۵ تومان به استخدام رادیو در آمد. زنده یاد مهدی تاکستانی چندی پیش بر اثر عارضه قلبی در لس آنجلس کالیفرنیا چشم از جهان فرو بست.

تاکید (Takid): اصرار و فشار بر یک نُت یا یک آکورد را گویند، که بدو گونه بروز می کند: اول تأکید، از جانب آهنگساز یا اجرا کننده، دوم، از جانب شنونده که پس از تشخیص لازم میزان ها، تأکید را حس و دریافت می کند.

تال (Tāl): از آلات موسیقی کوبه ای. این ساز، زمانی در میان ایرانیان به زنگ معروف بود ولی امروزه در لرستان به نوعی کمانچه اطلاق می شود. تال، به دو پیاله کوچک کم عمق از جنس برنج هم اطلاق می شود که بهنگام رقص آن را بدو انگشت سبابه و شست بسته و آن ها را بهم می زند.

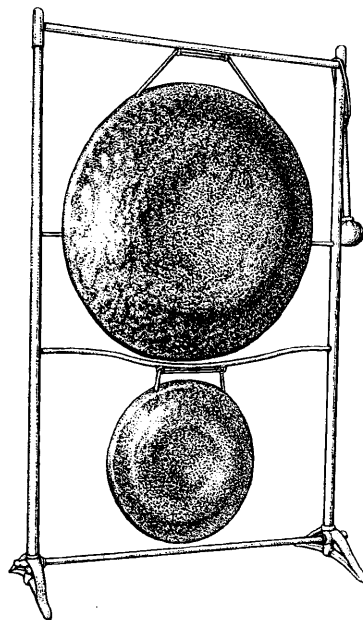
تالار رودکی (Tālāre Rudaki): تالار بزرگی در تهران که جهت مراسم هنری و اجرای موسیقی از آن استفاده می شود. ساختن این تالار در سال ۱۳۳۶ خورشیدی آغاز و مساحت زیر بنای آن ۳۸۴۵ متر مربع و سطح کل ساختمان بالغ بر ۲۱۰۰۰ متر مربع است. این تالار در ضلع غربی خیابان حافظ قرار دارد. تالار اصلی ۱۸ متر در ۲۰ متر و نعلی شکل است. در این سالن ۲۱ ردیف صندلی با روکش مخمل عنابی بافت کاشان قرار دارد که مجموعاً ۵۸۰ عدد است. سقف تالار گنبدی است و ارتفاع آن تا زمین ۱۹ متر است و در آن لوستری از کریستال به قطر ۷ متر قرار دارد. تالار دارای سه ردیف بالکن است که جلوی هر بالکن به سبک ایرانی گچ بری شده است. روشنایی سالن توسط لوستر سقفی و ۶۳ چراغ کریستال دیواری تأمین می شود. جایگاه ارکستر به شکل نیمدایره و محدب است. در مواقع لزوم، کف آن تا ۲/۵ متر پائین می رود. صحنه اصلی از سه قسمت جلوئی ۴ متر در ۱۲ متر، جانبی ۲/۳۰ متر در ۱۲ متر و قسمت پشتی ۱۰/۴۰ متر در ۱۲ متر تشکیل یافته. دو قسمت اول حرکت عمودی دارند و تا ارتفاع ۴/۶۰ متر از صحنه به بالا می روند و ۱/۵ متر به پائین و ۵/۷ درجه به صورت مورب حرکت می کنند. قسمت پشتی، حرکتی از پشت به جلو و بوارون (بالعکس) دارد.

پس از تغییر رژیم در سال ۱۳۵۷، نام این تالار را؛ وحدت گذاشتند.

تالار وحدت (Tālāre Vahdat): لطفاً به تالار رودکی نگاه کنید.

تامارا (Támara): از خوانندگان کوچه و بازار و مردمی پیش از انقلاب. این خواننده را نبایستی با تامارا، بازیگر برجسته تماشاخانه تهران و همدوره هنرمندان: پرخیده، شهلا ریاحی، مورین، محمد علی جعفری و دیگران اشتباه گرفت.

تام (Tám-Tám): از آلات کوبه ای. یک چند دایره مسی، مانند سینی های مدور با اتصال بر پایه ای و معلق در فضا که با چکشی چوبی بصدک در می آیند. اصل این ساز چینی بوده و چونگ نامیده می شود.



تامبرازیان، بابکن (Bábgen Támbrázyán): استاد علی تجویدی، که به او متد اروپائی نواختن ویلن را آموزش میداد.

تامبور (Támbur): سازی است کوبه ای که در ساختمان آن پوست بکار رفته است. در لغت نامه دهخدا "تانبور" آمده است. فرهنگ نویسان خارجی این ساز را از تیپره دانسته اند.

تانگو، موسیقی (Musiqiye Tàngo): موسیقی این رقص آرژانتینی از دو قسمت مساوی، هر یک بطول ۱۴ تا ۲۰ میزان تشکیل یافته و ملودی آن عاشقانه است.

تالیف (Talif) : ترکیب نغمه ها و لحن های موسیقی به مناسب قواعد. دانستن اقسام نغمه ها و آگاهی از علم تألیف دو امر مهم در علم موسیقی محسوب می شود.

تای (Tây) : نغمه، رشته، زه، وتر.

تئوری موسیقی (Teoriye Musiqi) : به مجموعه ای از قواعد و اصطلاحات موسیقی اطلاق می شود. تئوری موسیقی از مباحثی چون؛ نُت شناسی، وزن شناسی، فواصل و گام های موجود در موسیقی سخن می گوید. هر موسیقیدان می بایستی از این علم، آگاهی داشته باشد. اولین کتاب در خصوص تئوری موسیقی، توسط مسیو لومر فرانسوی نوشته شد. او، دو کتاب تئوری موسیقی نوشت که در جلد دوم آن به؛ هارمونی پرداخته است. کتاب های مسیو لومر، توسط مزین الدوله بفارسی برگردانده شد و در سال ۱۳۰۱ در چاپخانه دارالفنون چاپ گردید. امروزه در خصوص این علم، کُتب متعددی نوشته شده که از میان آن ها می توان به "تئوری موسیقی" نوشته مصطفی کمال پورتراب و "بنیان های نظری موسیقی ایرانی" نوشته نریمان حجتی اشاره کرد.

تبج (Tabac) : نام یکی از دو قطعه چوب نازکی که زبانه مضاعف سرنا را تشکیل می دهد و آن را با نخ می بندند.

تبدیل طبقه (Tabdile Tabaqe) : تغییر مقام در موسیقی قدیم. تغییر و تبدیل طبقه در موسیقی مقامی گذشته، مانند تغییر دادن علایم ترکیبی در موسیقی علمی غربی است.

تبره (Tabare) : لطفاً به تیره نگاه کنید.

تبری بلند (Tabariye Boland) : از مقام های اصلی موسیقی مناطق مرکزی مازندران.

تبری کوتاه (Tabariye Kutâh) : از مقام های اصلی موسیقی مناطق مرکزی مازندران.

تبسم (Tabasom) : کنیز پیانو نواز عهد ناصرالدین شاه که او را محمد صادق خان (سرورالملک) آموزش داده بود.

آ،ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 ز،ز Z,z واه (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

تبنگ (Tabang) : به صوتی بلند و تیز، نظیر زنگ و ناقوس و هم چنین به دف، دهل اطلاق می شود.

تبور (Tabur) : سازی است کوبه ای که در آن پوست بکار رفته است. نوع کوچک این ساز در ایران بنام تبوراک خوانده می شود.

تبوراک (Taburák) : در فرهنگ های لغات به دف و دایره اطلاق می گردد. ریشه این واژه از تبیرک به معنی تبیره کوچک می آید. از این ساز در مزارع جهت دفع جانوران و وحوش استفاده می شود.

تبیره (Tabire) : سازی است کوبه ای که در ساختمان آن پوست بکار رفته است. تبیره بظاهر نوع کوچک تبیر است ولی در اشعار حماسی نام تبیره بیش از تبیر بکار رفته است. فرهنگ نویسان این ساز را نوعی طبل، کوس و دهل نوشته اند. در فرهنگ برهان می خوانیم که: تبیره، دهل است که میان آن باریک و هر دو سرش پهن است.

تجریشی، رضاقلی (Rezâ-qoli Tajrisi) : از تعزیه خوان های مشهور دوران قاجاریه.

تجزیه (Tajzye) : از مشخصات آواز و به معنی؛ تقسیم بندی های اجرایی است.

تجلی (Tajalli) : از خوانندگان مشهور و همدوره با استاد جلال تاج اصفهانی.

تجلی، اصغر (Asqar Tajalli) : خواننده خوش صدای عهد ناصری و فرزند علی خان، معروف به نایب السلطنه که او را علی خان حنجره دریده هم می گفتند.

تجلی، امیر فرخ (Amir-Farrox Tajalli) : ترانه سرای فعال که در آمریکا با اکثر خوانندگان همکاری نزدیکی دارد.

تجویدی، اکبر (Akbar Tajvidi) : نوازنده چیره دست فلوت و همدوره با؛ حسن ناصرخانی و اصغر بیکزاده که هر دو آن ها فلوت بسیار زیبا می زدند.

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irân) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zâle) Ž,ž

تجوییدی، سعید (Sawid Tajvidi) : مهندس سعید تجوییدی، فرزند هنرمند گرانقدر، علی تجوییدی از سازندگان مشهور تار که آموختن این هنر را نزد استاد حسین مسعود فرا گرفته است.

تجوییدی، علی (Ali Tajvidi) : استاد علی تجوییدی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی بدنیا آمد. او از شاگردان بنام استاد ابوالحسن صبا است، علی تجوییدی در آهنگسازی، بدیهه سازی و تسلط بر نوازندگی ویلن سرآمد شاگردان صبا است. علی تجوییدی کار هنری اش را با نواختن نی لبک شروع و بعد به نواختن فلوت می پردازد. او فلوت را زیر نظر مرحوم ظهیرالدینی فرا می گیرد. بعد از فلوت، نوبت به ویلن می رسد و او ویلن را بمدت ۲ سال نزد استاد حسین یاحقی تعلیم می گیرد و بعد به محضر درس ابوالحسن صبا راه می یابد. علی تجوییدی ۷ سال نزد استاد صبا به تعلیم و فراگیری ویلن و سه تار اشتغال داشت. تجوییدی مدت چهار سال نیز نزد ملیک آبراهامیان و بابگن تامرازیان متد اروپائی را آموخت. تجوییدی هارمونی و ساز شناسی را نزد مرحوم خالقی و هوشنگ استوار تحصیل می کند و پس از آن آثار خود را شخصاً برای ارکستر می نویسد. نمونه ای از کارهای او برای ارکستر عبارتند از: "آزاده ام صبرم عطا کن" و "پشیمانم" می باشد. استاد علی تجوییدی از اعضای هیئت داوران آزمون باربد هستند که سرپرستی آن بعهد زنده یاد دکتر نور علی برومند بود.

در سال ۱۳۳۴ خورشیدی، برنامه ای حاوی موسیقی سنتی ایرانی همراه با شعر در رادیو تولید و پخش شد که نام برنامه "گلها" بود. ارکستر آن از نوازندگان ورزیده تشکیل شده بود و بیشتر آهنگ های هنرمندان نامی آن زمان، منجمله علی تجوییدی را اجرا می کردند. لطفاً برای آگاهی بیشتر به ارکستر گلها نگاه کنید.

تجوییدی، هادی (Hādi Tajvidi) : هادی خان تجوییدی، پدر علی تجوییدی در نقاشی استادی مسلم و از شاگردان طراز اول کمال الملک بود و در موسیقی از شاگردان با استعداد مرحوم درویش خان بود.

تحاسین (Tahāsin) : در موسیقی قدیم به معنی زیور و تزئین بکار رفته است.

تحریر (Tahrir) : حالتی است در آواز خوانی که بر روی سازها نیز، تقلید می شود. تحریر، صوتی را گویند که بین فواصل نزدیک، پی در پی اجرا شود. تحریر معنی چهچه را هم می دهد.

تحریرات (Tahrirāt) : تحریر های گوناگونی که در موسیقی سنتی ایران وجود دارد، نظیر: تحریر بلبلی، تحریر جواد خانی، تحریر بیات راجع، تحریر بیات کرد، تحریر کوچک و بزرگ، تحریر در حسینی، تحریر زیر و

رو، تحریر مترادف، تحریر فلکی و تحریر مقطع. لطفاً برای آگاهی بیشتر به هر کدام از تحریرها رجوع شود.

تحریر، بلبلی (Tahrir-e Bolboli): نظیر تحریر بلبل، کسانی که خوب تحریر می دانند به لقب بلبل معروف می شدند، مانند: درویش بلبل که در مشهد زندگی می کرد. تحریر بلبلی، تحریری است در آواز بیات کرد.



تحریر جوادخانی (Tahrir-e Javādxāni): تحریری است در گوشه رضوی، در دستگاه شور.

تحریر حسینی (Tahrir-e Hoseyni): در ردیف آوازی مکتب اصفهان و تحریری است در اوج گوشه حسینی، منسوب به حبیب شاطر حاجی.

تحریر زیر و رو (Tahrir-e Zir-o-ru): از تحریرهای آوازی در موسیقی ایران.

تحریر فلکی (Tahrir-e Falaki): تحریری در بیداد دستگاه همایون. صفحه همایون تاج اصفهانی در سال ۱۳۱۲ در تهران ضبط شده است. این تحریر بر محور نت لا = ۴۳۹ هرتز شروع شده و به تدریج شامل ویراتوهای منظم بین فرکانس ۴۶۵ و ۵۲۰ هرتز می شود.

تحریر غنه ای (Tahrir-e Qonnei): نام دیگر این تحریر؛ تحریر تودماغی است. تحریر غنه ای یا خیشومی، تحریری از موسیقی است که هنگام آواز خواندن، آن را از بینی اداء می کنند و این بدان معنی است که دهان را بسته و صوت را از بینی خارج می کنند.

تحریر کوچک و بزرگ (Tahrir-e Kucek va Bozorg): تحریری است در دستگاه شور.

تحریر مترادف (Tahrir-e Motarādef): تحریر پشت سر هم را گویند.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

تحریر مقطع (Tahrire Moqatta): تحریر های کوتاه و به اصطلاح بریده بریده.

تحریری، علی (Ali Tahriri): آهنگساز، نوازنده سنتور و سرپرست گروه موسیقی حافظ در گرگان.

تحریک انامل (Tahrik Anamel): اصطلاحی در موسیقی قدیم و به مفهوم مالش انگشتان بر روی زه ساز.

تحزین (Tahzin): از ریشه حُزن: گوشه حزین در ردیف موسیقی ایرانی از این ریشه است.

تحشیه (Tahshiye): تحشیه و حاشیه از واژه های قدیم موسیقی ایرانی و به معنی تزئین است. حاشیه، هنوز در دستگاه چهار گاه وجود دارد.

تحویلداری، روزبه (Ruzbeh Tahvildari): خواننده مشهور گیلان (رشت) که پس از معروفیت بیتل ها، گروه پاپ موزیکی در گیلان تشکیل داده و ترانه های خاطره انگیزی از این خواننده خوش صدا و صاحب سبک در دسترس می باشد که از میان آن ها می توان به ترانه "زخم" اشاره داشت.

تحویلات (Tahvilat): در موسیقی قدیم، تغییر یا شکستن پرده تعبیر شده است. مشابه این واژه در موسیقی مدرن امروز "مدولاسیون" است.

تحویلی، مسعود (Maswud Tahvili): صدا بردار برجسته تلویزیون ایران. مسعود تحویلی در سال خورشیدی در رشت بدنیا آمد. او از اولین فارغ التحصیلان دوره مدرسه عالی تلویزیون و سینما است که در سال ۱۳۴۷ همکاری خود را با رادیو و تلویزیون آغاز کرد. پس از ۷ سال فعالیت در زمینه صدا برداری در سال ۱۳۵۴ به آمریکا رفت و در U.S.C به تکمیل رشته خود پرداخت. او در حال حاضر در ایران بفعالت اشتغال دارد.

تخت اردشیر (Taxte Ardešir): نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران. ادوارد براون، تخت اردشیر را از خسروانی های باربد می داند.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Ž,ž وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vokdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Žale) Ž,ž

تخت طاقدیس [Taxte Tâqdis] : نام لحنی از سی لحن باربد که در برهان قاطع، لحن پنجم آمده است. تخت تاقدیس، نام گوشه ای است در نوا، افشاری و سه گاه.



تخت فیروزی [Taxte Firuzi] : نام بخش سوم، تخت طاقدیس بوده که انگیزه هنرمندان برای ساختن آهنگ بشمار می رفته است.

تخت کاووس [Taxte Kāvus] : از لحن های ساسانیان بوده است.

تخمکار، اسفندیار [Esfandyār Toxmkār] : سازنده و نوازنده چیره دست دوتار در تربت جام خراسان. اسفندیار، فرزند هنرمند سرشناس تربت جام؛ علی جمعه می باشد. اسفندیار، سرپرست گروه دوتار نوازان "شیدا" در تربت جام است.

تخمکار، علی جمعه [Ali-Jomwe Toxmkār] : سازنده و نوازنده قدیمی دو تار در تربت جام خراسان.

تر [Tar] : تازه، دوبیتی، سرود، ترانه، دل نشین، نغز، شیرین و خوش معنی می دهد.

تر آهنگ [Tar Āhang] : آهنگ نو و جدید.

ترابی، علی [Ali Torābi] : از اعضای فعال گروه تعزیه وزارت ارشاد اسلامی! در تهران. علی ترابی از سال ۱۳۳۵ خورشیدی تا کنون به این کار اشتغال دارد.

ترادف و تشابه [Tarādoḡ va Tašāboh] : مشخص نمودن طرح کلی یک موسیقی، توسط جمله ها (فیگورها) بی که مشابه، مکمل و مربوط به یکدیگرند.

تراک [Trak] : صدای زدن یک زخمه در سازهای زهی و طبل ها.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z واه (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

ترانگ (Tarānag): نوعی شعر که در دوران ساسانیان معمول بوده، روی آن آهنگ گذاشته و اجرا می کردند. پس از حمله عرب به ایران به اشکال: ترنگه، ترنگ و رنگ مشاهده شده است. امروزه به ترانگ، ترانه می گویند.

ترانه (Tarāne): ترانه یا تصنیف مجموع آهنگ و شعری است دارای وزن که مقصود و معنائی را بیان کند. ترانه، در گوشه های آواز یا دستگاه گردش می کند و بطور مستقل نیز در گوشه ای می آید. ترانه یا تصنیف، پس از حمله عرب به ایران در زمان ساسانیان، از دو بیتی های محلی (معمولاً ۱۱ سیلابی) تشکیل که بهترین نمونه آن دو بیتی های بابا طاهر است. در زمان ساسانیان نیز یک نوع شعر معمول بوده که به آن ترانگ می گفتند.

در قدیم ترانه را با بحر رباعی می ساختند ولی امروزه ترجیح داده می شود که ترانه با اشعار ساده و روان سروده شود. این نوع ترانه به سر زبان ها باقی می ماند، چنانچه ترانه هایی از ۸۰ سال پیش، همچنان توسط مردم زمزمه می شود.

تصنیف یا ترانه سازی در معنای ساختن سرود و ترانه، ریشه بسیار کهن دارد. همچنانکه می توان به ترانه های رودکی جهت امیر نصر سامانی، وقتی که چنگ رودکی شعر: "بوی جوی مولیان آید همی" را همراهی نمود و یا فرخی که: "با کاروان حله برفتم ز سیستان" را برای امیر ابوالمظفر چغانی به آواز خواند. همچنین ترانه های محلی که تمامی از قدمت تصنیف سازی حکایت می کنند.

ترانه بستن (Tarāne bastan): سرود و نغمه ساختن. نغمه سرائی و سرود گوئی کردن.

ترانه پرداز (tarāne Pardāz): ترانه ساز و ترکیب کننده آوازاها.

ترانه تراش (Tarāne Tarāš): آهنگساز، ترانه ساز.

ترانه زن (Tarāne Zan): نغمه سرا، ترانه زننده. نغمه سرائی کردن را ترانه زدن گویند.

ترانه ساز (Tarāne sâz): ترانه سرای، سرود گوئی، ترانه سرائیدن. نغمه برداشتن، آهنگ ساختن و آوازخوانی.

ترانه سنج [Tarâne sanj] : موسیقیدان. آگاه به نغمه و سرود.

ترانه سرایان دوره اول [Tarâne sarâyâne doureya avval] : ترانه سرایان سده اخیر را از نظر زمانی می توان به سه گروه تقسیم کرد.

گروه اول یا ترانه سرایان دوره اول: امیر جاهد، پژمان بختیاری، شیدا، عارف قزوینی، ملک الشعرا بهار، روح اله همایون، حسین گل گلاب، رهی معیری، وحید دستگردی، دکتر نیر سینا، سالک اصفهانی و غلامحسین جواهری وجدی.

ترانه سرایان دوره دوم [Tarâne sarâyâne doureya dovvom] : نواب صفا، میر ناصر شریفی، منیرطه، ایرج تیمورتاش، کریم فکور، معینی کرمانشاهی، بیژن ترقی، ابوالحسن وزیری، تورج نگهبان، پرویز خطیبی، شهر آشوب، نظام فاطمی، عبدالله الفت، پرویز وکیلی، لعبت والا، سیمین بهبهانی، دکتر معین افشار، رضا ثابتی، رضا جلیلی، ناصر رستگار تژاد، سرهنگ اعلامی، شاه زیدی، جمشید شببانی، حسین واثقی، حمید رقابی، حیدر رقابی، هوشنگ شهابی، نوذر پرنک، دکتر سیروس آرین پور، ه. الف. سایه، رشید مرادی، عماد رام، جعفر پورهایمی، پری زنگنه، ه. ریاحی، حمیدی شیرازی، هاله، مهرداد اوستا، فریدون مشیری و ابوالقاسم حالت.

ترانه سرایان دوره سوم [Tarâne sarâyâne doureya sevvom] : که در ۳۰ سال گذشته فعالیت بیشتری داشته اند: بهادر یگانه، هما میر افشار، شهین حنانه، محمد علی بهمنی، شیرازی، اصغر واحدی، جهان بخش پازوکی، شهریار قنبری، ایرج جتنی عطائی، اردلان سرفراز، مسعود فردمنش، ژاکلین ویگن، مهین عمید، جواد آذر، ابراهیم صفائی، ساعد باقری، پروین باوفا، زویا زاکاریان، پاک سیما زکی پور، میشا جاودانی، یلدا، لیلا کسری (هدیه)، صادق سرمد، بیژن سمندر، همایون هشیار تژاد، دکتر ایرج زرمجو، بابک رادمنش، مهداد، فریدون علیخانی، مینا، پرویز صبری، ریموند شاه نظریان، مسعود امینی، سخا، مجید خستوان، مسعود هوشمند، پرویز معتضدی، سعید دبیری، فرامرز پارسی، منصور تهرانی، مسعود کاظمی، باغبان، پروانه سالم، مریم حیدری، مسعود سپند، پریسا ساعد، یحیی مسجدی، حسین حیدری، خروش، پدرام، هدی، حسن مقدم، فریدون قاسمی، داود زندی، هوتن، شهرام شب پره، شهبال شب پره، امیر، علی زراسوند، یاس، هاتف، اسد تهرانی، بهروز، بهرام، مسعود عطائی، بهروز خوش مشرب، سیامک بحرینی، شهرام وفائی، سیروس، صمد نوریان، محمد شریف، محمد بارانی، منصور خراسانی، حسین جهانگیری، مظفر جهانگیری، مسعود آذری، گیو (گیروگیس) آقاسی، مهدخت مخبر، داریوش عباسی، بامداد، کاترین اسکندری، رحمان شکوفه پور، عطااله ثمنی، سلامی شاهین، گیتی بهرامی، کیومرث سلیم پور، فرشاد افشار، آرش، زیبا شیرازی،

مانی، پیروز پاینده آزاد، نوشین معینی، هومن، رضی، مسعود محمودی، شاهپور نیاکان، دکتر ناروند، مریم جلالی، علیرضا میبیدی، مهین آبادانی، مهدی لواسانی، منوچهر نامور، فرزانه خواجه نوری، انیسه، فریده شیوائی، کینوش شهروزی، رضا شمس، بهمن شایان، سعید محمدی، رضا بابزنی، سیروس علی آبادی، فرشید امین، سعید شهریاری، کورش انگالی، ایرج مبین، سینا، هما رهبر، جهانگیر صبری، احمد رضا نبی زاده، فرخ، پرویز غیاثیان، نازیلا توکلی، داود بهبودی، نوری، سعید حیدری، ایرج طاهری، مهدی سپهر، محسن فیروز نام، هایک، فائزه دشتستانی، دکتر حمیدی، الف - روشنا، ناصر مهدی پور، علیرضا ستاری، امیر متقیان، دکتر بهرام جعفری، مهناز وکیلی، آرتوش هاراتونیان، کریم محمودی، دکتر علائی، بهنام، سعید قائم مقامی، چترنور، مهرداد کاظمی، عباس باقری، بامداد جویباری، سیف الهی و کوچی زادوری.

ترانه سرایانی که با یک ترانه به شهرت رسیدند: حیدر رقابی "مرا بیوس"، هوشنگ شهابی "در رقص گیسو"، نوذر پرنک "اسب ابلق سم طلا"، سیروس آرین پور "بارون بارونه"، هوشنگ ابتهاج "ه. الف. سایه"، "تو ای پری کجائی".

ترانه سرایانی که بیشترین ترانه ها را سروده اند: رهی معیری، اسماعیل نواب صفوا، رحیم معینی کرمانشاهی، بیژن ترقی، جهان بخش پازوکی، تورج نگهبان، پرویز وکیلی، اردلان سرفراز، شهیار قنبری و ایرج جنتی عطائی.

ترانهش [Tarānahes]: واژه پارسی به جای "انتقال" عربی که توسط بنیاد فرهنگستان ادب و هنر ایران، پیش از تغییر رژیم در مجموعه ردیف، گرد آوری استاد موسی معروفی و نگارش آن برای ویلن و هم چنین نوشته های دکتر لطف اله مفخم پایان آن را جایگزین انتقال عربی نموده است.

ترانه شرقی، شرکت [Šerkate Tarāneye Šarqi]: برگزار کننده کنسرت در ایران، که پس از انقلاب و در سال های اخیر، فعالیت چشمگیری از آن مشاهده می شود. این شرکت به مدیریت محمد رضا احمدیان به کار تولید و پخش CD و نوار کاست در ایران نیز می پردازد.

ترانه، شرکت [Šerkate Tarāne]: از معروف ترین و پرکار ترین شرکت های تولید نوار، CD و ویدئوی موزیک و پخش فیلم های فارسی در آمریکا. محل این شرکت در لس آنجلس می باشد. این شرکت با نام آونگ در ایران پیش از انقلاب از فعالیت بسیار خوبی برخوردار بود. شرکت های آونگ و ترانه که در اصل یکی هستند ۳۵ سال قدمت دارد. وارطان آوانسیان و جهانگیر طبریائی مدیریت شرکت ترانه را به عهده دارند.

آدم (Adam) A,a A,a S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdān) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

ترانه شهری (Tarāneye Šāhri): نوعی ترانه و خوانندگی بنام شهری در موسیقی قدیم ایران که به آن شروه نیز می گفتند. در بعضی از فرهنگ ها متذکر شده اند که زمانی، ترانه های شهری به زبان پهلوی ادا می شد و نام دیگر آن "رامندی" بود.

ترانه های انتقادی (Tarānehāye Enteqādi): ترانه های شکوه آمیز از اوضاع نابسامان جامعه. ترانه های انتقادی را نبایستی با ترانه های سیاسی اشتباه گرفت. از معروف ترین ترانه سرایان در این مورد، می توان به عارف قزوینی، ابوالقاسم حالت و هادی خرسندی اشاره داشت.

ترانه های بومی (Tarānehāye Bumi): ترانه هایی با رنگ محلی که ورد زبان اهالی یک روستا و اطراف آنست. در این ترانه ها به حرکت آهنگ (ملودی) و تاکیدات (آکسان ها) شعری، بر پایه لحن قدیمی محلی، همان نواحی است.

ترانه های پند آمیز (Tarānehāye Pand Āmiz): ترانه هایی که به منظور پند و نصیحت سروده شده اند. قدیمی ترین ترانه پند آمیز، در سده هفتم هجری در کتاب عبدالقادر مراغی به نام نوروز، آمده است که استاد حسین علی ملاح آن را استخراج نموده و برای آن نُت نویسی کرده اند. در این ترانه می خوانیم که: ای حاکمان، با دوستان و یاران خود به رفاقت و مهربان باشید.

ترانه های توصیفی (Tarānehāye Tousifi): این ترانه ها در مقام وصف و ستایش سروده شده اند. بیشتر این ترانه ها در وصف طبیعت هستند.

ترانه های حرفه ای (حرفه و پیشه) (Tarānehāye Herfei): این ترانه ها به مناسبت حرفه و پیشه و معرفی آن ها، سروده می شود و گاه گاهی چنان در ذهن مردم نقش می بندند که چه بسا سالیان دراز کسی آن را از یاد نمی برد. این نوع ترانه گوئی برای عرضه کالا و خدمات، پیش از تغییر رژیم بسیار شایع و کارساز بود و اینک همان روش در تبلیغات کالا و خدمات در لُس آنجلس اعمال می شود.

ترانه های خزانگی (Tarānehāye Xazānegi): به ترانه هایی که سروده پادشاه یا امیری باشد اطلاق می شود.

ترانه های روستائی ایران، کتاب **[Ketābe Tarānehāye Rustāwi Iran]** : گرد آورنده؛ روبیک گریگوریان، با مقدمه سه زبانه؛ فارسی، فرانسه و ارمنی و نُت نویسی آشوت میناسیان که توسط انجمن پرورش افکار جوانان ارمنی در سال ۱۳۲۷ خورشیدی چاپ شد. جلد دوم این کتاب، در سال ۱۳۲۸ با سرمایه شخصی، روبیک گریگوریان چاپ و منتشر گردید. در پشت جلد دوم، آگهی جلد سوم نوشته شده بود ولی هیچ گاه جلد سوم چاپ نشد. در این کتاب ها، ترانه های روستائی ایران با روش ساده ای برای پیانو و آواز تنظیم شده و طی چهار رشته خط های حامل، بخش های: **Alti, Soprani, Bassi و Tenori** مشخص شده اند. کلمات اشعار با حروف لاتین، زیر نُت ها، هجا به هجا نوشته شده، و در آخر هر آهنگ، در ستونی، گویش محلی در کنار نُت آوانگاری یا فونتیک آن بطور جدا گانه درج شده است. آهنگ هایی که در جلد اول کتاب آمده عبارتند از:

- ۱ هی یار: گیلکی
 - ۲ لای لای: گرگانی
 - ۳ دست به دستالم: فارسی
 - ۴ دُمکل: کردی
 - ۵ سیمای جان: گیلکی
 - ۶ آی سرکوتل: ممسنی فارس
 - ۷ مستم مستم: ممسنی فارس
 - ۸ کریشیم: گیلکی
 - ۹ دختر بویر احمدی
 - ۱۰ پاچه لیلی: گیلکی
 - ۱۱ دونه جان: مازندرانی
 - ۱۲ عزیز جون: مازندرانی
- جلد دوم:

- ۱ واران واران: کردی
- ۲ لای لای: گرگانی، با تنظیم مختلف
- ۳ بدیور: کردی
- ۴ توپیر: ممسنی فارس
- ۵ دای بلال: ممسنی فارس

ترانه های ساحل مازندران، کتاب **[Ketābe Tarānehāye Sāhele Māzandarān]** :

کتاب حاوی ترانه های محلی مازندرانی که توسط لطف اله مبشری از سال ۱۳۱۵ خورشیدی گرد آوری شده

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Ž,ž

و در سال ۱۳۲۳ چاپ و منتشر گردید. در این کتاب ۳۵ ترانه محلی با نث، ملودی و اشعار وجود دارد.

ترانه های عاشقانه (Tarānehāye Āseqāne): ترانه هایی که به مناسبت هم آهنگی احساس و سخن عشق سروده می شود. ترانه های عاشقانه در موسیقی ایران و بین المللی مقام نخست دارد.

ترانه های عامیانه (کوچه و بازار) (Tarānehāye Āmyāne): ترانه های معمولی و مشهور و جاری به زبان مردم کوچه و بازار که بسادگی واژه ها و مضامین مختلف نزدیک به تفکر و زندگی مردم، و به کار بردن اصطلاحات عادی و سادگی وزن قابل درک همگان، سروده شده و می شوند. ترانه های عامیانه، پس از ترانه های عاشقانه، مقام دوم را دارند.

ترانه های عرفانی (Tarānehāye Erfāni): ترانه هایی که بعد معنوی آن مورد نظر سراینده است.

ترانه های عروسی (Tarānehāye Arusi): ترانه هایی ویژه جشن پیوند زناشویی که در میان هر قوم و ملتی رایج است. هر خواننده مشهور، سعی بر آن دارد تا دست کم یک ترانه عروسی در کارنامه هنری خود داشته باشد. ترانه های عروسی مشهوری که بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند توسط خوانندگان زیر خوانده شده اند: همدانیان، محمد نوری، ویگن، عهدیه، آفت، داود بهبودی، منوچهر سخائی، شاهرخ، شهره، فتانه، فرامرز محجوب، شهرام صولتی، احمد آزاد، نازی اقشار و لیلا فروهر.

ترانه های قومی (Tarānehāye Qomi): ترانه هایی در حال و هوای آداب و رسوم، اندیشه ها و عقاید هر قوم که با کارگیری واژه های معمول در زبان و گویش های هر قوم، سروده می شود.

ترانه های کودکان (Tarānehāye Kudakān): ترانه هایی متناسب با ذوق و علاقه کودکان، به تناسب رشد و سن و دریافت آن ها. ترانه های کودکان، اثر قابل توجهی در فراگیری و شکوفائی اندیشه و فکر در کودکان دارد.

ترانه جاودانه لالائی که اغلب در مایه آواز دشتی است نخستین پیوند موسیقی و شعر است که بعد ها با استقبال از آن ترانه های سیاسی چندی سروده شد.

کلنل وزیری، ترانه های کودکانه ای جهت فرزندان ایران در سال های پیش ساخت و پس از ایشان زنده یاد داود پیرنیا به مسئله توجه نشان دادند تا اینکه با تشکیل؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ترانه های بسیاری در این مورد ساخته شد.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) I,i وچدان (Vojdān) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

ترانه های محلی ایران برای پیانو، کتاب

[Ketābe Tarānehāye Mahalliye Iran Barāye Pyāno] : حاوی ۴۶ ترانه محلی

ایرانی که توسط سیاوش بیضائی برای پیانو نت نویسی شده است. این ترانه ها، فاقد شعر می باشند.

[Tarānehāye Melli va Mihani] : ترانه هایی بر اساس روح ملی و

میهن پرستی با چاشنی سیاسی که در آن، ترانه سرا، عشق خود به آب و خاک و سرزمینش را بیان می دارد.

ترانه های ملی و میهنی، یکی از عوامل ارتباط بین ملت ها است. از ترانه سرایان این گونه ترانه ها می توان به: شاعر بزرگ و آزاده؛ عارف قزوینی در زمان مشروطیت و هنرمند بزرگ و وطن پرست؛ زنده یاد: فریدون فرخ زاد که توسط عوامل رژیم اسلامی کشته شد اشاره داشت.

[Tarānehāye Noruzi] : ترانه های نوروزی به خاطر رسیدن نوروز و بهار و در

توصیف این ایام فرخنده سروده می شود. این ترانه ها پیش از حمله عرب به ایران رایج و پیام آور بهار و خوشی ایام هستند و پس از استقرار مکتب و مذهب اعراب در ایران نیز از ماندنی های فرهنگی ایرانیان است.

[Tarānehāye Hazal Gune] (هزلیات) : با تاریخچه ای طولانی که برای

بیان دردها و مشکلات در قالب و لباس شوخی و هزل سروده شده و می شوند. اوج شکوفائی این هنر، پس از حمله عرب به ایران و بمدت دست کم یکصد سال بود که ترانه سرایان ایرانی حرف خود را به حاکمان سلطه جو عرب می زدند.

[Mohammad Javād Torbati] : نویسنده نمایشنامه موزیکال؛ لیلی و

مجنون که در سال ۱۳۰۵ جامعه باربد به سرپرستی اسماعیل مهرتاش آن را اجرا کرد.

[Tarji] : در اصطلاح موسیقی؛ گردانیدن نغمه و آواز و گردانیدن آواز در گلو و حلق است. ترجیع

در سازهای زهی، خاصه عود، مطرح گردیده است، بصورتی که روی یک وتر (سیم) اجرای آهنگ (ملودی) کرده و بر وتر یا سیم دیگر مرتب مضرب می زدند (آکورد).

[Tarji Band] : از انواع شعر فارسی که از قسمت های چند بیتی که هم وزن و هم قافیه

اند، و در میان هر قسمت، بیتی بنام؛ بند ترجیع یا بیت ترجیع (یا بقول موسیقیدان های قدیمی؛ سربند) وجود دارد، که قسمت ها را بهم متصل می کند.

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

ترخیم (Tarxim) : نازک کردن آواز، نرم خواندن.

ترشیزی، دکتر رضا (Doktor Reza Toršizi) : نوازنده ضرب و متخصص پوست و زیبایی که در آمریکا فعالیت هنری را در کنار حرفه پزشکی دنبال می کند.

ترقی، بیژن (Bižan Taraqi) : از فعالترین ترانه سرایان در تاریخ موسیقی ایران. در کنار بیژن ترقی، سه تن دیگر قرار دارند که جزو فعالترین ترانه سرایان، نامشان ثبت تاریخ موسیقی ایران شده است، آن ها عبارتند از: رهی معیری، اسماعیل نواب صفا و رحیم معینی کرمانشاهی. بیژن ترقی در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد؛ پدرش، محمد علی ترقی، مدیر و مؤسس انتشارات خیام است که یکی از قدیمی ترین موسسات انتشاراتی و فرهنگی ایران است. بیژن ترقی می نویسد: من در خانواده ای متولد شدم که بازیچه ام کتاب بود.

بیژن ترقی، از سال ۱۳۳۵، همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و در این زمان، ترانه های بسیاری را سرود. به برخی از سروده های ایشان در زیر اشاره می شود: "بهار دلنشین" با صدای استاد بنان، سیما بینا و کاوه دیلمی. "زکوی بلاکشان" با صدای خانم مرضیه. "گردباد" با صدای خانم دلکش. "آی گفتم" با صدای ویگن و دلکش. "کلبه من" با صدای خانم دلکش و آهنگ استاد پرویز یاحقی. "دلداد رهگذرم"، "بیداد زمان"، "به زمانی که محبت شده همچون افسانه" با صدای جاودانه خانم مرضیه.

ترکاشوند، محمد (Mohammad Torkāšvand) : نوازنده چیره دست ویلن و کمانچه که در شهرستان بروجرد به فعالیت اشتغال دارد.

ترکان، علی (Ali Torkān) : نوازنده چیره دست ویلن در اصفهان و از همکاران نزدیک میرزا سرور خواننده و نوازنده ضرب.

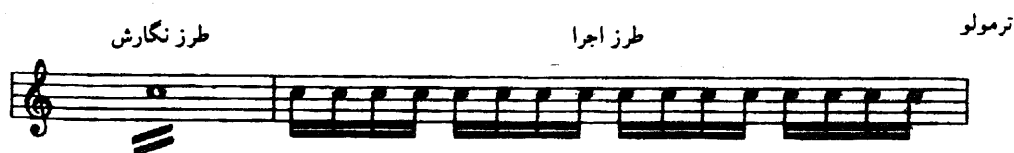
ترک ضرب (Tark Zarb) : آواز دوم از اصول که بحر ترک و ترکی نیز گویند. از وزن (ریتم) های قدیمی موسیقی و دارای ده ضرب؛ چهار ضرب سنگین (بم) و شش ضرب زیر (سبک).

ترکه و کجک (Tarke va Kajak) : چوب های دهل را گویند. نوازنده دهل دو چوب در دست دارد، یکی که کلفت تر بوده و شبیه عصاست که کجک خوانده می شود و دیگری که ترکه نازکی است و با دست چپ گرفته می شود.

ترکیب [Tarkib]: الفت دادن اصوات به صورت پی در پی به صورتی که منتج به خلق لحن یا آهنگ می شود.

همآهنگ و توأم نمودن دو صوت به فاصله $\frac{4}{3}$ و $\frac{3}{2}$ یا دیگر فواصل. ابن سینا، مفهوم ترکیب را عملی می داند که در آن؛ هنگام اجرای نغمه مفروض، گاه گاهی (همزمان) هشتم، پنجم و چهارم پردگی، یعنی نت اصلی (تنیک) توأماً نواخته شود.

ترمولو [Termolo]: نوعی اجرا در سازها را گویند. در سازهای زهی، با حرکت سریع آرشه به چپ و راست موجب صوتی هیجان انگیز می شود. در پیانو با ضربه های مشخص و گاهی، نا مشخص این حالت پیش می آید.



ترم های موسیقی [Termhâye Musiqi]: اصطلاحاتی که کیفیت ظاهری و باطنی یک قطعه موسیقی را با زبان های مختلف بین المللی بیان می دارد. نظیر؛ ضعیف، خیلی ضعیف، کمی ضعیف، کم صدا و قوی و ...

ترنای [Tarantây]: از آلات زهی یک سیمه، با کاسه ای شش پهلو و دسته ای بلند. این ساز را ۶ خانه هم می نامند.



ترنگ [Tarang]: شکلی از ترانه که شبیه تصنیف است. اسم صوت، صوتی که از زه کمان و یا زه و ابریشم و تار ساز (سازهایی چون تار و رباب) بر آید.

ترنم [Tarannom] : سرود، نغمه، ترانه و خوش خوانی.

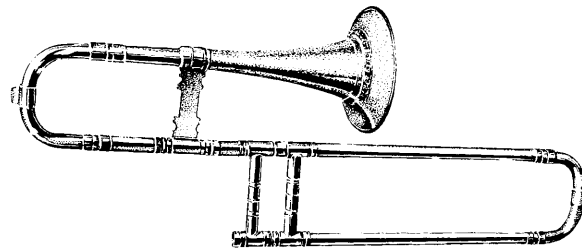
ترنواز [Tarnaváz] : نوازنده تر دست و چابک پنجه.

ترنوازی [Tarnavázi] : خوش نواختن، دل نشین نواختن.

ترومبا مارینا [Trombà Marìnà] : از آلات زهی کمانی (آرشه ای) یک سیمه با خرک متحرک.



ترومبون [Trombon] : از آلات بادی مسی با صوتی پر شکوه شبیه به ترومپت. ترومبون دارای چهار نوع: آلتو، تنور، باس و کنترباس می باشد. ترومبون از سازهای انتقالی نیست و با دو کلید؛ "فا" و "دو"، نت نویسی می شود. در پارتی تور، زیر همه سازهای بادی قرار دارد.

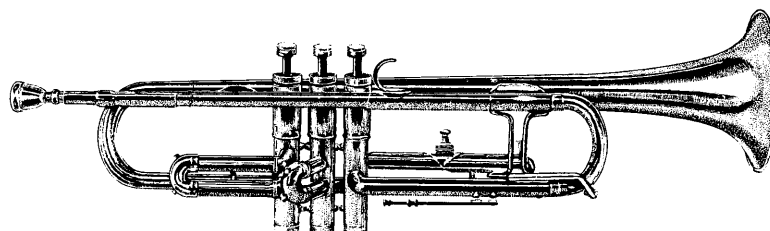


ترومپت [Trompet] : سازی است بادی از جنس مس یا برنج که دارای سه کلید سوپاپ مانند است. صدای ترومپت؛ روشن، درخشان و نافذ است.

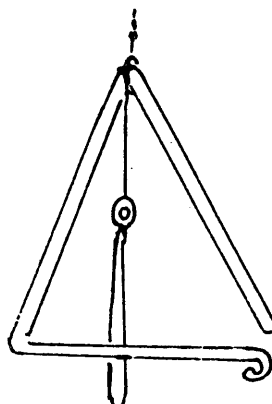
ترومپت سازی است قدیمی که نوع ابتدائی آن از چوب خیزران و بعد ها از شاخ حیوانات ساخته اند. نوع فلزی آن را، یونانیان ساخته ولی شکل امروزی آن را؛ دینر **Denner** ساخته است. لوله ترومپت بصورت مخروطی خاصی است که به دهانه ای ناقوسی منتهی می شود. روی لوله سه دگمه مشاهده می شود که اولی باعث ازدیاد طول لوله تا حصول صدای یک پرده بم می شود. فشار دگمه دوم صوت را نیم پرده و فشار دگمه

آ،a آ،a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám)
Z,z زاله (Zále) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdán) I,i ایران (Irán) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

سوم، یک پرده و نیم پائین می آورد. ترومپت، سازی است انتقالی و در سمبولیسم سازها مانند فلوت، سازی مذکر محسوب می شود (بخاطر صدایش).
این ساز، در پارتی تور، زیر گروه کرها، نوشته می شود.



تری آنگل (Triàngl) : سازی است از خانواده آلات موسیقی کوبه ای فلزی. در ایران به این ساز مثلث می گویند. صدا واری این ساز نامحدود است و با تمام گام ها می تواند همناوا شود.



تری آنگل یا مثلث

تریاد (Teriyád) : آکوردهای سه صدائی (با فاصله سوم) که بر چهار نوع می باشد:

- آکورد کامل بزرگ
- آکورد کامل کوچک
- آکورد پنجم کاسته
- آکورد پنجم افزوده.

تریال (Teryál) : از آلات موسیقی کوبه ای یا ضربی.

Á,á A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám)
Ž,ž زاله (Žále) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdán) I,i ایران (Írán) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

تریستامنته [Tristamente] : از اصطلاحات موسیقی که بیانگر حالت غم و اندوه یک قطعه موسیقی است.

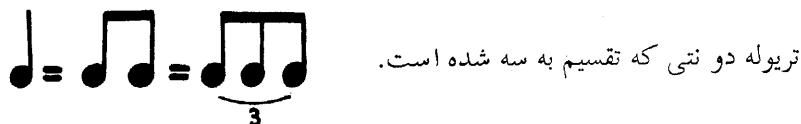
تریل [Teril] : علامتی که نشانگر اجرای پی در پی و متناسب با طول زمان نت اصلی، با نت بالائی یا فوقانی اش است. تریل با اختصار **Tr** بر روی نت قرار می گیرد. تعداد دفعاتی که باید نت فوقانی شریک نت اصلی شود، بسته به میل و هنر نوازنده است.



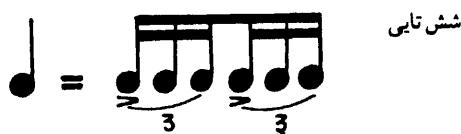
تری [Tri] : به معنی سه و در موسیقی به قطعاتی که برای سه ساز روی فرم سونات ساخته می شود، اطلاق می گردد.

تریوله، حرکت [Harekate Triyole] : از تقسیمات نت ها، تقسیم دوتائی نت ها به سه جزء مساوی.

مهمترین تعادل ریتم در ارتباط با تنظیم واحد زمان، حرکت تریوله می باشد. تریوله، توسط تداخل یک واحد سه زمانی در یک واحد دو زمانی بوجود می آید. نت های تریوله، مازاد نامیده می شوند، زیرا به ازاء دو ارزش سه واحد جانشین می گردد. در حقیقت تریوله با ارزش سه نت برابر با دو نت می باشد.



تریوله مضاعف [Triyole Mozâaf] : اجرای شش نت به جای چهار نت را گویند.



تزام پوگنا [Tzâm Pognâ] : از آلات موسیقی بادی در سده های ۱۶ و ۱۷ میلادی با بدنه ای استوانه ای و فاقد کلید. عده ای عقیده دارند که ساز ابوا، از تکامل این ساز بوجود آمده است.

آدم (Adam) A,a A,a سرکش (Sarkesh) S,s K,k S,s جمع (Jamw) W,w غرق (Qarq) Q,q خیام (Xayyâm) X,x Y,y
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Voddan) O,o چوب (Cub) U,u زاله (Zâle) Z,z

ترئین [Tazwin] : علائم و نشانه‌هایی در موسیقی که موجب لطافت و ظریف کاری در آهنگ می‌شود. نظیر: پیشا، قلاب، گرش، غلت و صوت بر.

ترئین الحان [Tazwin Alhàn] : آرایش نغمه‌ها، ترئین لحن‌ها که از قدیم در موسیقی ایرانی معمول بوده است.

تسریب [Tasrib] : جریان یافتن هوا در نواختن آلات موسیقی بادی را گویند.

تسلسل [Tasalsol] : نام گوشه‌ای در آخر دستگاه ماهرور، از ردیف منظم الحکما. این گوشه در ردیف‌های امروزی، ملاحظه نمی‌شود.

تسلسل آکوردها [Tasalsole Ākordhā] : هنگامی که چند آکورد، در کنار مترادف هم، به اجرا در آیند؛ اگر مقدار اصوات در تسلسل آکورد‌ها مساوی باشند، از این تسلسل، بخش‌هایی از ملودی بوجود خواهد آمد. در هماهنگی آوازها، بهتر است، نت‌های بم، هر چه بیشتر از هم دور باشند. سه نوع فاصله، در باس، بکار می‌رود که در اصطلاح هماهنگی، تسلسل‌های عالی، خوب و بد گویند.

تسلسل بمل‌ها [Tasalsole Bemolhā] : ترتیب پشت سر هم قرار گرفتن علامت‌های بمل را بشرح زیر گویند: سی - می - لا - ر - سل - دو - فا.

تسلسل دیزها [Tasalsole Diyezahā] : ترتیب پشت سر هم قرار گرفتن علامت‌های دیز را گویند: فا - دو - سل - ر - لا - می - سی.

تسلی شیرازی [Tasala Širāzi] : از شعرای مشهور قدیمی که از اشعارش خوانندگان و آهنگسازان بسیاری استفاده کرده‌اند.

تسویه [Tasviye] : در موسیقی، به معنی کوک کردن سیم‌های ساز ذکر شده است.

تشنید یا تجنیس [Tašnīd yā tajnīs] : از دستگاه‌های موسیقی ترکمن صحرا.

Ā,a Ā,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات‌های (الضای) نوین برای درست خواندن

تصنیف (Tasnif) : لطفاً به ترانه نگاه کنید.

تصویرهای بی قاعده (Tasvirhāye bi Qāwde) : در موسیقی، اگر گروهی از نت ها در میزان، با زمان های مختلف، یعنی نت های بیشتر و یا کمتر در یک میزان وارد شوند، معرف شکل های بی قاعده هستند.

تضاد در ریتم (Tazād dar ritm) : تضاد در ریتم، زمانی پیش می آید که دو شکل مختلف ریتم پس از یکدیگر قرار گیرند. تضادهای ریتمی بیشماری در حالات مختلف وجود دارند. این ریتم ها در تکامل کنترپوئن هم موثر بوده و در نکات اصلی کنترپوئن، تضاد ما بین ارزش نت ها در صداهاى مختلف بوده و سازنده تضاد ریتم در کنترپوئن می باشد.

تضعیف (Tazwif) : اصطلاحی در موسیقی قدیم به معنی؛ مضاعف نمودن نغمه. مشابه این واژه در موسیقی غربی، اکتاواست.

تطبیق ریتم (Tatbique ritm) : تطبیق ریتم، زمانی بوجود می آید که در دو میزان مختلف، شکل یکسانی از ریتم ها ظاهر شود.

تعالی (Taālī) : نوازنده چیره دست تار در گروه موسیقی فارابی مشهد.

تعریف، صدیق (Sadiq Tawrif) : خواننده برجسته سندهی. صدیق تعریف در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در سندهی بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۴ به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و دو سال از محضر زنده یاد محمود کریمی فیض برد. در زمان تحصیل، او با شیوه و مکتب خوانندگان بزرگی چون: سید حسن طاهرزاده و سبک آوازی استاد عبدالله دوامی آشنا گردید. اولین کاست او تحت نام "مکتب اصفهان" به یاد حسین طاهرزاده در دستگاه سه گاه، با همکاری گروه شیدا و عارف به سرپرستی محمد رضا لطفی در سال ۱۳۶۲ پخش گردید.

از آلبوم های دیگر این هنرمند می توان به: "گلگشت"، "شیدائی"، "فراق"، "شوردشت" و "آبگینه" اشاره داشت.

تعزیه (Taziye) : بخشی از تأثر سنتی ایران. دو بخش دیگر عبارتند از: تخت حوضی و خیمه شب بازی.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

تعزیه خوانی در آغاز دوره سلطنت قاجار بصورت یک نمایش آئینی - مذهبی جلوه ای خاص داشت. فتح علی شاه که مردی مذهبی بود به تعزیه و تعزیه خوانی علاقه بسیاری نشان میداد و در زمان او، تعزیه خوانی به اوج رسید.

تعزیه و شبیه خوانی در ایران، ریشه قدیمی تر از دوران قاجاریه دارد. دیلمان که پادشاهان ایرانی و شیعه مذهبی بودند، مظالم کربلا را بصورت شبیه مجسم می کردند. این نمایشات در آن دوره صامت بود. تعزیه ناطق از عهد قاجاریه معمول شد.

اعیان و اشراف مملکت، روی تعصبات مذهبی یا چشم و همچشمی و بدست آوردن اعتبار اجتماعی، در ماه های محرم خانه خود را با سیاه پوش نمودن، محل برگزاری تعزیه می کردند. حاج محمد حسین خان امین الدوله، معروف به صدر اصفهانی، خزانه دار و وزیر امور مالیه، میرزا محمد شفیع، صدر اعظم فتح علی شاه، ضمن برپائی تعزیه در خانه اش، از فرستاده سیاسی انگلیس و منشی اش برای تماشای تعزیه دعوت بعمل می آورد. در زمان قاجاریه به غیر از اعیان و اشراف ساختن تکیه به منظور مراسم عزاداری و تعزیه خوانی در بین مردم عادی و کوچه بازار هم رونق بسیاری گرفته بود. بنا به آماردارالخلافه تهران در سال ۱۲۶۹ قمری، یعنی سال های نخست سلطنت ناصرالدین شاه، در شهر تهران ۵۴ باب تکیه وجود داشت. لطفاً جهت آگاهی بیشتر به تکیه نگاه کنید.

مراحل عمده تکامل تعزیه خوانی بشرح زیر است:

۱. دوران فتح علی شاه (۱۷۹۷ - ۱۸۳۴) دوران شکل گیری بر اساس سنن حماسی - مذهبی و مرثیه خوانی و سوگواری مذهبی و تکامل کارگردانی، تحت ریاست شخص شاه و بعضی از شاهزادگان. در این زمان، نخستین تکیه های ثابت، ساخته می شود.

۲. دوران محمد شاه (۱۸۳۴ - ۱۸۴۸) تدوین متون تعزیه. نخستین چاپ های سنگی درام ها، تکامل دسته های عزاداری، در این زمان بزرگترین مشوق و بانی تعزیه خوانی، صدر اعظم حاجی میرزا آقاسی است. در این موقع، زنان برای بیرون آمدن از زندان اندرونی، حضوری گسترده دارند.

۳. دوران ناصرالدین شاه: آخرین مرحله تدوین متون تعزیه خوانی رسمی و عصر طلائی تعزیه خوانی در ایران. در این زمان، بدستور ناصرالدین شاه، تکیه دولت ساخته می شود.

۴. دوران پس از ناصرالدین شاه: اشتیاق به تعزیه خوانی و حمایت دولت از آن به تدریج کاسته می شود، روشنفکران از تعزیه انتقاد می کنند، رضا شاه، حرکت دسته های عزاداری در ماه محرم و نمایش تعزیه را ممنوع می کند. در زمان محمد رضا شاه، خصوصاً پس از واقعه ۱۳۴۲ تنها عزاداری در مسجد و تکیه مجاز شمرده می شود.

۵. دوران روی کار آمدن رژیم اسلامی در ایران، در سال ۱۳۵۷ خورشیدی، تلاش دولت مردان برای احیاء تعزیه و کشاندن دسته جات عزاداری و راه اندازی شتر در خیابان های شهر های بزرگ که روز به روز از رنگ آن کاسته می شود و کسی را تمایل به آن و انجام آن نیست.

تغییرات ریتم [Taқыrâte Ritm] : یک تغییر ریتمیک، زمانی بوجود می آید که در اجرای یک قطعه موزیک، ارزش زمانی نت ها تغییر کند.

تغییر مایه [Taқыr Mâye] : اگر از مایه ای به مایه دیگری بروند که بر روی درجات اصلی (چهارم و پنجم) مایه اول باشد، تغییر مایه (تن) است.

تغییر مقام [Taқыr Maqâm] : اگر از مایه ای به مایه دیگر بروند که بر روی نت هائی مقامی، مدل (درجات سوم و ششم) مایه اول باشد، تغییر مقام (مد) است. مشابه اینحالت در موسیقی غرب؛ "مدولاسیون" است.

تفاوت الادوار، کتاب [Ketâbe Tafâvot ol-Advâr] : کتابی در خصوص موسیقی که توسط عبدالعزیز مراغه ای فرزند عبدالقادر مراغه ای در سده هشتم هجری نوشته شده و در کتابخانه نور عثمانیه اسلامبول نگهداری می شود.

تفرشی، اسداله [Asad-ollâh Tafreši] : خواننده خوش صدا دوره قاجاریه و همدوره علی خان نایب السلطنه و حسن قصاب.

تفرشی، حسین قلی [Hosehn Qold Tafreši] : از خوانندگان صاحب نام و همدوره با استاد جواد بدیع زاده و سلیمان خان که این سه تن در سال ۱۳۰۳ خورشیدی پس از انزوای سید حسین طاهرزاده بعثت کهولت، تنها خوانندگان آن روز تهران بودند.

تفرشی، علی [Ali Tafreši] : نوازنده چیره دست کمانچه و از فارغ التحصیلان هنرستان موسیقی تهران.

تفضلی، جهانگیر [Jahàngir Tafazzoli] : جهانگیر تفضلی، متخلص به "آسمان" در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در خراسان دنیا آمد. او موسس و انتشار دهنده روزنامه "ایران ما" بود، و مدت ها سرپرستی وزارت اطلاعات را بعهده داشت. از جهانگیر تفضلی، سرودهای بسیاری بجا مانده که خواننده مشهوری چون داریوش رفیعی آن را اجرا نموده است.

آدم (Ádam) A,a Á,á S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám) Z,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdân) I,i ایران (Írán) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

همدوره ای های جهانگیر تفضلی عبارت بودند از: دکتر ناصرالدین شاه حسینی، صاحب امتیاز مجله موسیقی رادیو ایران، دکتر نیر سینا و نعمت اله قاضی.

تفضلی، محمد رضا (Mohammad Reza Tafazzoli) : نوازنده چیره دست ویلن سل در ارکستر مجلسی هنرستان موسیقی تهران.

تفضلی، محمود (Mahmud Tafazzoli) : از متصدیان (دبیر) هنرستان موسیقی ملی در زمان ریاست پرویز محمود و معاونت استاد رویک گریگوریان.

تفقدراد، رضا (Rezā Tafaqod-rād) : شاعر و ترانه سرای معاصر که همکاری نزدیکی با استاد ابوالحسن ورزی دارند.

تفکری، تاتر (Teatre Tafakori) : واقع در کوچه ملی - لاله زار به سرپرستی هنرمند بزرگ تاتر ایران، اصغر تفکری، که در سال های ۱۳۳۴ و پس از آن مکانی بود برای عرضه هنر تاتر و موسیقی.

تقدسی، محمود (Mahmud Taqaddosi) : آهنگسازی که از او محدود کارهایی نظیر: ساختن موزیک متن فیلم "مهر گیاه"، ساخته فریدون گله، با شرکت علی نصیریان و پوری بنائی در دسترس می باشد.

تقسیم (Taqsim) : نوعی مقدمه نوازی چند بخشی سازها در موسیقی قدیم که بعد ها، تکامل یافته و در حد یک موومان تبدیل شده است.

تقسیم گام (Taqsim Gām) : تقسیم گام و یافتن درجات با واحد لیما که خاص تنبور خراسانی است، و تقسیم گام با واحد پرده که خاص موسیقی غربی است. روش نخست (واحد لیما) نسبت به مورد دوم (واحد پرده) منطقی تر بنظر می رسد، زیرا با روش پرده بندی تنبور خراسانی، تمام درجات گام های موسیقی غرب و شرق بدست می آید.

تقسیم متناسب (Taqsim Motanāseb) : بنا به عقیده فارابی؛ گام معتدل ۱۲ نیم پرده را تقسیم متناسب گویند.

A,ā A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u Zāle (Zāle) زاله

تقسیم نت ها (Taqsime Nothà) : نت های موسیقی بر اساس ارزش زمانی و واحد های میزانی دارای تقسیماتی هستند. ارزش زمانی نت ها بر مبنای گرد (●) به معنی واحد زمان، بررسی می شود.

سفید : نیم واحد زمان 

سیاه : یک چهارم واحد زمان 

چنگ : یک هشتم واحد زمان 

دولا چنگ : یک شانزدهم واحد زمان 

سه لا چنگ : یک سی و دوم واحد زمان 

چهار لا چنگ : یک شصت و چهارم واحد زمان می باشد. 

واحد زمان در موسیقی قدیم با نمای الف (ا) و زمان های طولانی تر با حروف ابجد به طریقه زیر نمایش داده می شد:

واحد زمان الف

دو برابر واحد زمان ب 
سه برابر واحد زمان ج 
چهار برابر واحد زمان د 
پنج برابر واحد زمان ه 

تقوامنش (Taqvāmanesh) : از نوازندگان مشهور و صاحب نام در نواختن فلوت.

تقوی، جلال (Jalāl Taqavi) : از نوازندگان مشهور تار که در حال حاضر در زنجان فعالیت دارد. جلال تقوی از اعضای فعال ارکستر عیسی صیدی می باشد.

تقوی، منوچهر (Manucehr Taqavi) : نوازنده چیره دست ویلن و از شاگردان ممتاز استاد جهانگیر برزین و استاد ناصر زرآبادی.

تقی خان (Taqi-xân) : نوازنده زبردست ضرب در عهد ناصری.

تقی خانی، بابک (Bâbak Taqi-xâni) : نوازنده جوان و چیره دست پیانو که در تهران فعالیت دارد.

تقی زاده، آرش (Āraš Taqizāde) : نوازنده چیره دست ویلن در ارکستر مجلسی هنرستان موسیقی تهران.

تقی زاده، حمید رضا (Hamid Rezā Taqizāde) : نوازنده ویلن که در مشهد فعالیت دارد.

تقی زاده، فریدون (Fereydun Taqizāde) : استاد آموزش کلارینت در هنرستان موسیقی تبریز که در سال ۱۳۵۸ بدستور خمینی منحل گردید.

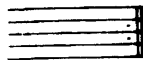
تک (Tak) : در موسیقی به یک ضربه مستقل اطلاق می شود. در سازهای مختلف مضربایی، اغلب، ریزها با تک شروع می شوند. وجود نقطه روی یا زیر نتی، نشانگر آن است که نت با یک تک و بدون کشش بعدی اجرا شود.



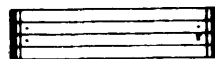
تکامل ریتم (Takāmole Ritm) : تکامل ریتم، زمانی بوجود می آید که فرم اصلی ساده، با یک فرم مرکب که از آن بوجود آمده مطابقت کند.

تکخالها، گروه (Gruhe Takxālhā) : در دهه سال های ۱۹۶۰ همزمان با ظهور بیتلها، گروه معروف تک خالها در ایران با سرپرستی بهمن باشی، نوازنده توانای گیتار تشکیل شد. این گروه در زمان خود از گروه های محبوب و جنجالی بود.

تکرار (Tekrār) : از عوامل مهم زیبا شناسی در هنر موسیقی است. تکرار را با علامت های زیر نشان می دهند.



تکرار چند میزان اول یک قطعه



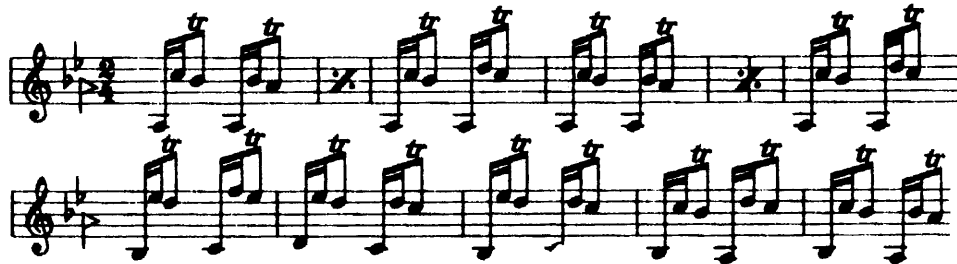
تکرار چند میزان در وسط یا آخر یک قطعه که در بین دو علامت قرار دارد. تکرار قطعه با علامت D-C مخفف Decapo (از ابتداء) در انتهای قطعه انجام می گیرد.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

تک سیمه زدن [Tak sime zadan] : با یک سیم نواختن، بر روی یک سیم آهنگ زدن.

تک مقدم [Take Moqaddam] : تحریری در آواز ردیف موسیقی ایران. این تحریر در ردیف آوازی، در حصار چهار گاه، خوانده می شود. در ردیف سازی، در ابوعطا و ماهور نیز ذکر شده است.

تک مقدم (پایور/ ۱۸)



تکنوازی [Taknavāzi] : اجرای موسیقی با یک ساز تنها را گویند، و تک نواز: نوازنده ای در گروه، که خط اصلی موسیقی را همراه با نوازندگان دیگر نواخته و دیگران فقط به تزئین اجرای او بپردازند. تک نوازی در سده ششم تا هفتم قبل از میلاد رایج بوده و در این خصوص می توان به کتاب دانیال نبی، در وصف نوازندگان بخت النصر اشاره داشت.

تکنیک [Teknik] : فن. در موسیقی تسلط و مهارتی است که یک موسیقیدان در مراحل اجرائی، ارائه می دهد.

تکه کردن [Tekke kardan] : قسمتی از بافت اصلی آهنگ بنا به نظر آهنگساز بر داشته و در بافتی جدید بکار گرفته شود. **[Fragmentation]**

تکیه [Tekye] : نت زینتی کوتاه مدت که به یکی از نت های اصلی تکیه کند. تکیه، معمولاً با فاصله دوم بکار می رود و گاهی در فواصل سوم و چهارم هم بکار رفته و در موسیقی ایرانی انواع مختلف دارد. این نت کوچک که معادل سه لا چنگ است با علامت (۸) یا دایره کوچکی بر زیر یا روی نت اصلی نشان داده می شود. علامت تکیه در موسیقی ایران توسط استاد کلنل وزیری وضع گردیده و پس از ایشان، شاگردانش، خصوصاً استاد ابوالحسن صبا آن را گرفته و بکار برده است.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vokdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

تکیه (Takiye) : مکانی برای عزاداری و تعزیه خوانی. در زمان ناصرالدین شاه طبق آمار دارالخلافه تهران، ۵۴ باب تکیه در این شهر وجود داشت. از این تعداد سه باب؛ تکیه پادشاهی، تکیه صدر اعظم و تکیه دریچه در محله ارک، ۵۱ تکیه دیگر در محله های: عود لاجان، سنگلج و چاله میدان قرار داشت. شمار و نام تکیه های هر محله بقرار زیر بود:

۱. محله عود لاجان. ۱۲ تکیه. تکیه: آغا بهرام خواجه، پامنار، دانگی، پیره زن، سرچشمه، درب چهارم، درب مدرسه، درب مسجد حوض، سر چلنیک، درب خانه آقا محمد حسن تاجر، سرگذر عود لاجان و تکیه پیرعطا.

۲. محله بازار. ۱۷ تکیه: یاور توپخانه مبارکه، قاطرچی ها، پاچنار، چهل تن، حاجی محمد جعفر خباز، پشت بازار دولت، خدا آفرین، هفت تن، در مسجد جامع، نوروزخان، در امامزاده زید، معتمدالدوله، ملک آباد، سید احمد مقنی، خلیج ها، عباس آباد و تکیه زنبورک خانه.

۳. محله سنگلج. ۱۲ تکیه. تکیه های: چال حصار، قورخانه کهنه، میرزا حسین حکیم باشی، عابد میر غضب، دباغخانه، در خوانگاه، کوچه پائین، قمی ها، کرمانی ها، آقا محمد جعفر نایب، سید ناصرالدین و تکیه حاجی باقر.

۴. محله چاله میدان. ۱۰ تکیه. تکیه های: ابوالقاسم شیرازی، زرگرا، لوطی علی خان، کدخدا شریف، قفقازها، سرپولک، سینه چال، عباسعلی، عربها و تکیه امامزاده.

تکیه دولت (Takiye Doulat) : بزرگترین و عظیم ترین تکیه در عهد ناصرالدین شاه بود که سالیان دراز، محل اجرای عزاداری و شبیه گردانی بود. دستور ساخت این تکیه از طرف ناصرالدین شاه به دوست علی خان معیر الممالک داده شد. دوست علی خان، قسمتی از زندان دولتی و سیاه چال آن را و هم چنین محل عمارت مسکونی میرزا تقی خان امیر کبیر و بعضی از انبار های قدیمی و کهنه ارک را که ضلع جنوبی باغ گلستان قرار داشت، جهت تکیه دولت اختصاص داد. این تکیه چهار طبقه بوده و از آجر ساخته شده بود. تکیه دولت، فاقد سقف بود ولی طاق آن را با کرباس های ضخیم می پوشاندند. در هنگام مراسم تعزیه در این مکان، ۵ هزار شمع روشن می کردند و یک چلچراغ هم در وسط تکیه تعبیه شده بود. در اطراف منبر تکیه، متجاوز از ۳۰۰ روضه خوان و واعظ گرد می آمدند و برای اجرای مراسم یکی پس از دیگری بالا رفته و پس از خواندن روضه پائین می آمدند. وقتی روضه خوانی پایان می گرفت، تعزیه شروع می شد. در انقلاب مشروطیت، مراسم تعزیه خوانی در تکیه دولت فراموش شد.

تگاو (Tagāv) : نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران که آن را تگاب هم گفته اند. معنی لغوی آن؛ قیف و هم چنین زمین شیب دار و پر سبزه و علف است.

تلفیق شعر و موسیقی (Talfiqe Šewr va Musiqi) : بافتن و بهم بستن موسیقی و شعر که از دیر باز مورد توجه شعرا و موسیقیدان ها بوده است.

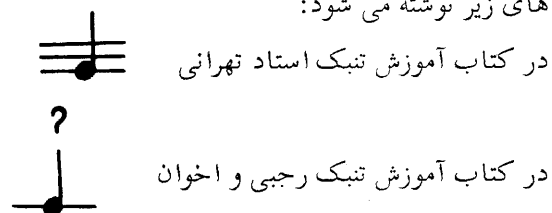
انجام درست این عمل، مستلزم آگاهی از وزن های شعری و قواعد موسیقی است. انتخاب شعر در وزن مورد نظر آهنگساز، رعایت آکسان ها و مطلع بودن از قوانین و علائم وضعی و کاربرد بجا و بموقع آن ها در نگارش و اجرای یک قطعه، به همراه ذوق و سلیقه آهنگساز، حاصل کار را زیبا تحویل می دهد.

تلفیق موسیقی (Talfiqe Musiqi) : پیوند دادن عناصر موسیقی، آهنگ (ملودی) و شعر و آهنگ را گویند.

تلنگ (Telang) : انگشت زدن بر سازهای کوبه ای نظیر: دف، دایره و تنبک. تلنگ را تلنگر هم گویند.

تم (Tem) : موضوع اصلی و مایه و زمینه آهنگ را گویند.

تم (Tom) : صدای حاصل از نواختن بر قسمت مرکزی پوست تنبک را گویند. در نت نویسی، تم بصورت های زیر نوشته می شود:



تم، استودیو (Studio Tem) : استودیو ضبط صدا در سال ۱۳۵۶ به سرپرستی محمد رضا شاه بیگی.

تماشاگاه ساز، فروشگاه (Frusgāhe Tamāšāgahe Sāz) : سازنده و تعمیر و فروش لوازم موسیقی به مدیریت منصور هوتی که در خیابان بوذرجمهری تهران قرار دارد.

تمام آرشه (Tamām Ārše) : اصطلاحی در نواختن سازهای زهی کمان دار (آرشه ای) که نوازنده، با دیدن علامت مخصوص، از تمام آرشه برای نواختن استفاده می کند.

تمبال (Tembāl) : از آلات کوبه ای به شکل نیم کره که تکامل یافته ساز قدیمی ایران، کوس است.

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

تمبک (Tombak) : تنبک، دنبک، ضرب، سازی است ملی که بیشتر از چوب ساخته می شود، هر چند که نوع فلزی و سفالی آن هم وجود دارد. تنبک، استوانه ای است که بر دهانه بزرگ آن پوست قرار گرفته و با سر انگشتان دست به صدا در می آید. نوع بزرگ ضرب با بدنه سفالی وسیله اصلی زورخانه است. ضرب، سابقاً، برای همراهی و نگهداشتن وزن موسیقی بکار می رفت، ولی امروزه، آن را بعنوان یک ساز تنها می شناسند.

راجع به تاریخچه پیدایش این ساز؛ در کتاب **The Art of Persian Music**، سابقه تنبک را به زمان ساسانیان نسبت داده اند.

در کتاب چشم انداز موسیقی ایران، نوشته دکتر ساسان سینتا، اشاره به متن پهلوی "خسرو، پسر قباد و غلام" شده که نام این ساز را دمبلک گفته اند. قدیمی ترین نوشته در مورد تنبک؛ ایاتکار زیریران است و آن متنی است که پروفیسور **Benveniste** نوشته، آن متن بدین قرار است: پس همه مردم، بدرگاه ویشتاسب شاه، سپاهی آمدند، تمبک و شیپور بزدند. با دستیابی به این متن، تاریخ پیدایش تنبک، حدود ۲۰۰۰ سال پیش، یعنی ۶۰۰ سال پیش از حمله عرب به ایران بوده است. ایاتکار زیریران، یک منظومه بسیار زیبا سروده شده توسط زیریر، برادر ویشتاسب هخامنشی در سده اول میلادی است.



تمبورک (Tamburak) : از آلات محلی موسیقی. از خانواده سازهای زهی در موسیقی بلوچستان که دارای سه سیم می باشد. دو سیم از سه سیم این ساز، هم آهنگ، کوک می گیرند و سیم سوم با آخرین سیم رباب (بم) کوک می شود.

تمبورین (Tamburin) : دایره زنگی، از سازهای کوبه ای. لطفاً به دایره زنگی نگاه کنید. تمبورین، نوعی رقص محلی در فرانسه می باشد که همراه با دایره زنگی انجام می شود.

تمبیره (Tambire) : ساز مقدس نوبان که در مناطق جنوبی ایران و جزیره قشم مورد استفاده دارد.

تمپو (Tempo) : حرکت، ضرب، موومان، در یک قطعه موسیقی. حرکت متناسب، یا به عبارتی ارزش زمانی اصوات است که تمپوی آن قطعه می گویند. برای تعیین تمپوی قطعات موسیقی از اعداد متروم استفاده می شود. تمپو: از آلات ضربه ای پوستی متداول در موسیقی عرب ها است که در ایران و در موسیقی ایرانی نیز مورد استفاده دارد (البته نه بطور علمی). بدنه تمپو از فلز، چوب و یا گِل پخته درست شده و بهترین پوست، برای آن، پوست ماهی است.



تمجیدی، اصغر (Asqar Tamjidi) : از صدابرداران باتجربه رادیو و تلویزیون ایران.

تم و بک (Tom va Bak) : دو صدای برخاسته از تنبک. صدای تم (Tom) با ضربه سر انگشتان جمع شده دست راست بر وسط تنبک ایجاد می شود و صدای بک؛ با هر دو دست، قابل اجرا است. اگر با دست راست باشد به حالت سیلی زدن به کنار و لبه تنبک، و اگر با دست چپ باشد، در حالی که ساعد بر استوانه تنبک قرار گرفته، به شکل تلنگر زدن به کنار تنبک صورت می گیرد.

تن (Tan) : در موسیقی، صدای برخاسته از یک زخمه یا مضراب بر سیم را گویند.

تن را بصورت () می نویسند.

تن (Ton) : درجه بلندی و پستی (زیر و بمی) صدا، آواز و مایه. صوتی ساده و روان با ارتعاشات منظم. واژه تن، پس از سده ۱۸ میلادی به کار گرفته شده است.

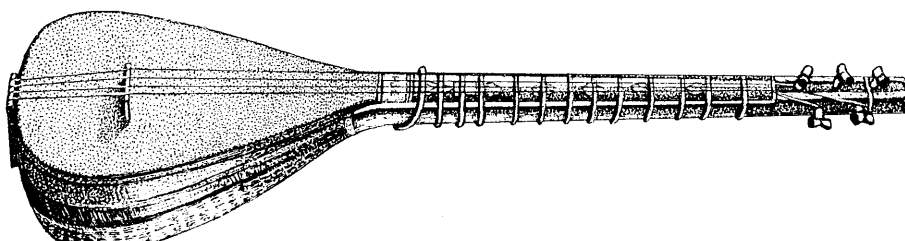
A,ā A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

تناسب [Tanâsob] : هم آهنگی و متناسب بودن در موسیقی را گویند. معنی دیگر تناسب: به هم آهنگی اجتماع نت ها در موجودیت آهنگ اطلاق می شود.

تنالته [Tonâlete] : مایه اصلی آهنگ، کیفیت قابلی که کثرت صوت های یک قطعه موسیقی را به وحدت یک گام (مرکز اصلی) رهبری می کند.

تنامیری، دستگاه موسیقی [Dastgâhe Musiqiye Tanâmiri] : از دستگاه های موسیقی اهل حق که بندرت نواخته می شود. آهنگ مایه اصلی این دستگاه با دو بمل آغاز و روی سل تمام می شود.

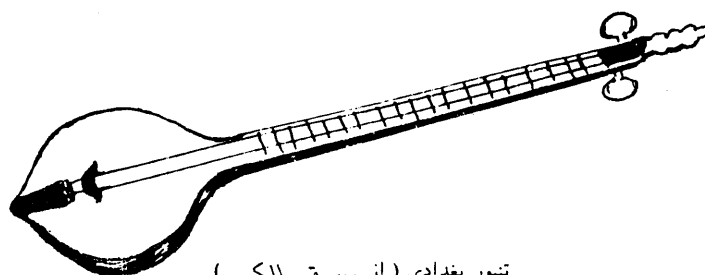
تنبور [Tanbur] : تنبور سازی است از خانواده سازهای رشته ای مقید که کاسه صوتی و دسته آن از ساز سه تار بزرگتر و بلند تر است و چون دارای دو رشته سیم است به آن دو تار می گویند. نوازنده با سر انگشتان دست راست تارها را به ارتعاش در می آورد و با دست چپ بر پرده های ساز انگشت را می نهد. تنبور به اسامی زیر خوانده شده و می شود: تنبور خراسانی، قوچانی، شروانی، بغدادی، تیسفونی و همانطوری که ذکر شد، انواع دو تار، چگور و قپوز. این ساز در ایران باستان، مصر و آشور وجود داشته. در آشور آن را "پاندورا" می خواندند و این ساز در آن زمان ۳ سیم داشت. در ۵۰۰۰ سال پیش در آناتولی قومی آریائی بنام هی تایت می زیستند که تنبور در بین آن ها معمول بود. در زمان سامانیان، مردم ری، طبرستان و دیلم (مازندران و گیلان) تنبور را بیشتر از مردم سایر نقاط ایران دوست می داشتند. امروزه تنبور تیسفونی، خاص مناطق کرد نشین ایران یعنی کردستان و کرمانشاهان است که در بیشتر منازل این دو دیار نواخته می شود. از واژه تنبور جهت طبل کوچکی در دسته های موزیک نظام که استوانه ای است که دو طرف آن را پوست کشیده اند هم استفاده می شود.



A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

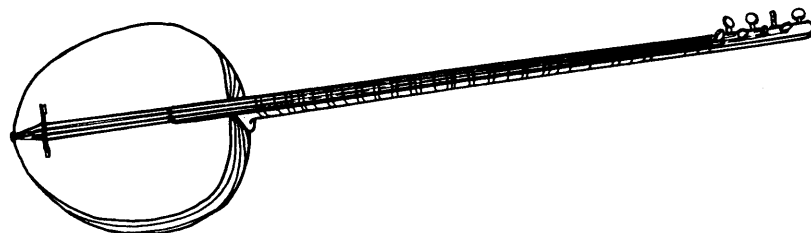
تنبور بزرگ [Tanbure Bozorg] : تنبوری است که کاسه آن گلابی شکل بوده و روی صفحه آن ده سوراخ دارد. روی دسته آن ۱۹ پرده و بر روی پوشش کاسه نیز ۶ پرده بسته شده است و دارای سه سیم می باشد.

تنبور بغدادی [Tanbure Baqdâdi] : از آلات زهی پرده دار که از سده چهارم هجری تا سده هفتم هجری در باره آن مطلب وجود دارد. پرده های این ساز با سایر سازها تفاوت داشته و فارابی به طرق پرده بندی آن اشاره نموده است. نام دیگر این ساز؛ تنبور میزانی و علت آن، تقسیم طول سیم (وتر) آن به چهل قسمت مساوی بر روی دسته ساز بوده است.

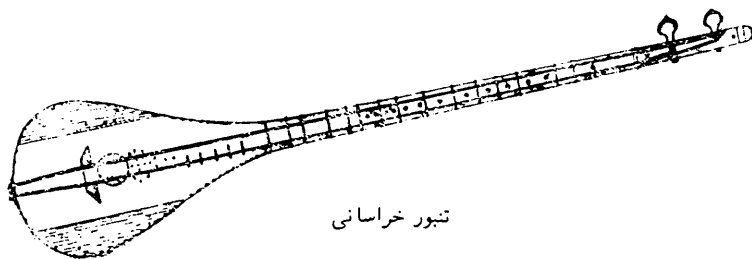


تنبور بغلمه [Tanbure Baqlame] : سازی است از خانواده آلات موسیقی رشته ای مقید از رده تنبور. این تنبور از تنبور بزرگ و ترکی بسیار کوچکتر است و در ترکیه رواج دارد.

تنبور ترکی [Tanbure Torki] : تنبور دو سیمی که در شمال آفریقا متداول بوده. این ساز، کاسه ای کوچک و دسته ای بلند داشته که سه تار و یا دو تار امروزی را تداعی می کند. بعضی از انواع آن دو سیم و بعضی دیگر سه سیم داشته اند.



تنبور خراسانی (Tanbure Xorāsāni) : از تنبورهای مورد بحث فارابی که دو سیم آن یک ضخامت داشته و برخی از پرده های آن که از دماغک تا حدود نیمه دسته ادامه داشته ثابت و بعضی متغیرند. بنا به عقیده دکتر برکشلی: پرده بندی تنبور خراسانی برابر گام فیثاغورث است. پایه و اساس گام های مشرق زمین از پرده بندی تنبور خراسانی است.



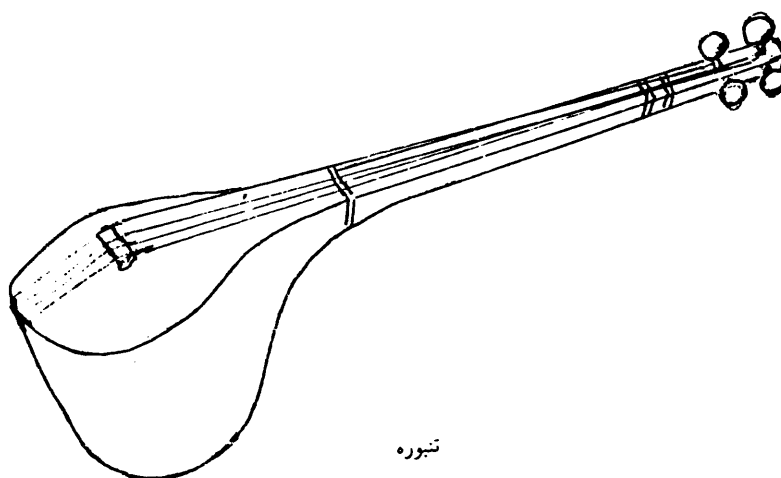
تنبور شروانی (Tanbure Šervāni) : تنبور دو سیمی متفاوت از تنبور ترکی با کاسه ای گلابی شکل و دسته ای بلند. سیم های آن از روده و یا ابریشم است. سابقاً، این تنبور، طرفداران بسیاری در آذربایجان شرقی داشت.

تنبور مراکشی (Tanbure Marākeši) : تنبوری با هفت تار.

تنبور مس (Tanbure Mas) : تنبوری بزرگ که در دوره ساسانیان رونق داشت.

تنبور میزان (Tanbure Mizān) : لطفاً به تنبور بغدادی نگاه کنید.

تنبوره (Tanbure) : سازی است رشته ای مقید از رده تنبور که در ایران بنام تنبور و در ممالک مجاور بنام تنبوره خوانده می شود. تنبور ایران به چین رفته و بنام تنپولا خوانده می شود.



تنبوره

تنبیره (Tanbire): از سازهای بلوچی که سه سیم دارد و سیم‌ها از روی شیطان و چگبند عبور نموده به کوک‌ها (گوشی‌ها) بسته می‌شوند. چگبند، بخشی از ساز است که در ۲ سانتیمتری کوک‌ها قرار دارد. ساختمان آن، صفحه کوچک و مسطح فلزی است که در زبان بلوچ به معنی گردن بند است.

تن تن (Tan-Tan): وزن اجزای آواز موسیقی، نغمه، سرود، متشکل از دو سبب خفیف تن تن که در نشان دادن اوزان موسیقی آن را با دو سیاه نمایش می‌هند. (تن - تن)

تندا (Tondā): حرکت موسیقی را گویند، لطفاً به حرکت در موسیقی نگاه کنید.

تندیس (Tandis): ترانه سرای فعال در آمریکا و از همکاران نزدیک آهنگساز، خواننده و نوازنده مشهور و سرشناس ایران، بیژن مرتضوی.

تنصیف (Tansif): نیم و نصف کردن که در موسیقی به معنی نصف کردن ابعاد، وتر و ... می‌باشد.

تنور (Tenor): وسعت صدای زیر در مردان را گویند. برای نت نویسی تنور از کلید سل خط دوم استفاده می‌شود. در این حال، نت‌ها یک اکتاو، بم‌تر از آن چه نوشته شده خوانده می‌شود.



A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

تُنیک (Tonik) : درجه اول هر گام را گویند، که در واقع؛ معرف گام است.

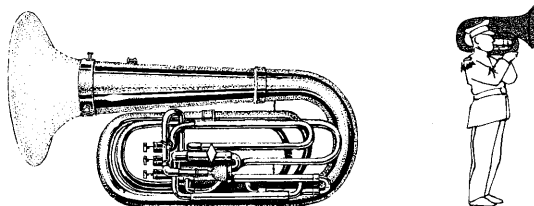
توارد (Tavârod) : شعر دو شاعر با یک مضمون و یک لفظ و بدون اطلاع قبلی از سرودن را گویند. این حالت در آهنگسازی هم پیش می آید.

توافق تُنیک (Tavâfoq Tonik) : توافقی که پایه اش تُنیک باشد. در یک گام بالا رونده، توافق تُنیک از درجات اول، سوم و پنجم و در یک گام پائین رونده، مرکب از درجات هشتم، ششم و چهارم است.

توافقی، غلامرضا (Qolâm-Rezâ Tavâfoqi) : سرگرد غلامرضا توافقی، نت نویس مدرسه نظام و از شاگردان سالار معزز بود.

توبا (Tubâ) : از سازهای بادی که در ارکستر سنفونیک، همراه با ترومبون ها، مورد استفاده قرار می گیرد. لوله آن با طول زیاد، بتدریج گشاد می شود و قسمت نهائی آن، نسبت به سازهای بادی دیگر، کمی بزرگتر و با عمق نسبتاً کمتر نسبت به آن ها است.

توبا، چهار دگمه و دریچه دارد. دگمه چهارم مسبب درستی و زیبایی و اصوات بم است. توبا، سازی است بادی مسی و وابسته به خانواده ساکس هورن وسعت صدای این ساز ۴ اکتاوا است.



توپا ابراهیمی، هدایت (Hedâyat Tupâ Ebrâhimi) : از خوانندگان مشهور ترانه های محلی در نوشهر مازندران.

تویر، هایمر (Hâymer Tobir) : استاد اتریشی، هنرستان عالی موسیقی در سال های پیش و پس از ۱۳۳۹ خورشیدی. لطفاً برای آگاهی بیشتر به ارکستر سنفونیک تهران نگاه کنید.

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkeş) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyâm)
 Z,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

توتک (Tutak) : نای گلین، سوت سوتک، توتیک، از آلات بادی و یکی از اقسام نای که از گیل سازند. توتک به گویش ترکمنی؛ دودک خوانده می شود.

توحیدی، کلیم اله (Kalim-ollāh Tavahodi) : کلیم اله توحیدی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در روستای اوغاز، مرکز ایل سیوکانلو، ترکمن صحرا، دنیا آمد. او پس از گذراندن دوره دبیرستان، وارد دانشگاه پلیس شد ولی پس از چندی این دانشگاه را ترک و به دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد رفت و در سال ۱۳۵۵ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد. کلیم اله توحیدی، پژوهشگری است که در زمینه موسیقی محلی شمال خراسان، کارهای ارزشمندی نموده و کتاب "نقدی بر ترانه های کرمانجی و فلسفه موسیقی کردی خراسان از نمونه کارهای اوست.

توران خانم (Turān Xānom) : از خوانندگان بنام و همدوره با قمرالملوک وزیری، ایران الدوله و موجهول پروانه، که از او صفحاتی ضبط و در کتابخانه هنرستان عالی موسیقی وجود دارد.

تورج (Turaj) : از خوانندگان پیش از انقلاب که هنر او را در برنامه بزم آدینه تلویزیون شاهد بودیم. خوانندگان دیگری که با تورج در این برنامه می خواندند عبارت بودند از: بیژن فرشاد، رشید مستقیم و پرویز باقری. نوازندگانی که صدای او را همراهی می کردند عبارت بودند از: میلاد کیائی (سنتور)، امیر عباس صفوی (ویلن)، فخرالدین حکیمی (تار) و رضا بهنام (ضرب).

توسلی، جلال (Jalāl Tavasoli) : نوازنده چیره دست ویلن که در ارکستر موسیقی سنتی آموزشگاه جنگ تهران فعالیت دارد.

توشمال (Tušmāl) : به نوازندگان موسیقی بختیاری گویند.

توفیق، مهربانو (Mehrbānu Touflīq) : استاد هنرستان عالی موسیقی در رشته تدریس هماهنگی و تئوری موسیقی. مهربانو توفیق، از فارغ التحصیلان سال تحصیلی ۴۴ - ۱۳۴۳ هنرستان عالی موسیقی است که دیپلم خود را در رشته سه تار، از کلاس استاد نصراله زرین پنجه گرفت. او در سال ۱۳۴۸، لیسانس موسیقی خود را از دانشگاه تهران دریافت داشت و فوق لیسانس خود را از دانشگاه سوربن پاریس در رشته موزیکولوژی دریافت کرد.

ایشان، سال ها در هنرستان عالی موسیقی به تدریس پرداخته و اینک در دانشگاه هنر به این کار ادامه می دهند.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

توفیقی، جمشید (Jamšid Toufiqi) : صدابردار سرشناس رادیو تلویزیون ایران.

توکل، فضل اله (Fazl-olláh Tavakol) : نوازنده مشهور و چیره دست سنتور و از اعضاء فعال ارکستر هنرستان عالی موسیقی در زمان سرپرستی زنده یاد نصراله زرین پنجه. فضل اله توکل در چهار آبان ۱۳۲۱ خورشیدی بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در شیراز به پایان رسانید و متوسطه را در دبیرستان مروی تهران. پس از اخذ دیپلم، به انگلستان رفت و فوق لیسانس خود را در رشته اقتصاد از دانشگاه کمبریج دریافت داشت. فضل اله توکل در ۶ سالگی، تحت نظر استاد حسین تهرانی، به نواختن ضرب پرداخت. معلم سنتور او، معلم موسیقی مدرسه ای بود که او به آن جا می رفت و نامش خائفی بود. ردیف های موسیقی ایرانی را، بهادر نوذری به او آموخت.

فضل اله توکل، در سال ۱۳۳۸، اولین برنامه خود را در برنامه گلهای صحرائی شماره ۵، همراه با امیر ناصر افتتاح اجرا نمود. پس از آن در بسیاری از برنامه های گلهای شرکت کرد. همکاری توکل با رادیو ایران تا سال ۱۳۴۰ ادامه داشت و در این سال همکاریش قطع و مجدداً در سال ۱۳۴۵ بنا به دعوت استاد حبیب اله بدیعی، با رادیو ایران همکاری جدیدش را آغاز نمود. استاد فضل اله توکل در حال حاضر با هنرمندان خارج از کشور، خصوصاً، لُس آنجلس همکاری دارند.

توگ کاوا (Tug Káva) : موسیقیدان بزرگ ایرانی در دربار امپراتور چین؛ مینگ هوانگ Ming Huang در سال ۷۳۳ میلادی.

توللی، علی (Ali Tavallali) : نوازنده چیره دست ضرب که در لُس آنجلس فعالیت دارد.

توللی، فریدون (Freydun Tavallali) : شاعر و ترانه سرای معاصر که اشعار او مورد استفاده خوانندگان بسیاری قرار گرفته است.

توماس، پیتیر (Piter Tomás) : آهنگسازی که به همراه حسین واثقی موسیقی متن فیلم "شیر خفته"، ساخته دکتر اسماعیل کوشان و با شرکت عزت اله انتظامی، ایوان دسنی و منوچهر فرید را ساخته است. این فیلم که در سال ۱۳۵۵ ساخته شد، محصول مشترک ایران و آلمان بود.

تویسرکانی، کریم (محسن) (Karim Tuyserkání) : کریم تویسرکانی، نوازنده چیره دست ویلن - سل، در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در ۱۲ سالگی، وارد هنرستان عالی موسیقی شد و نزد

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وحدان O,o V,v (Cub) جوب U,u C,c (Zále) زاله Z,z (Xayyam) خیام X,x Y,y (Qarq) غرق Q,q جمع (Jamw) W,w J,i (Sarkes) سرکش S,s K,k Š,š (Adam) آدم A,a A,a

استاد داود جعفری به فراگیری این ساز پرداخت.

کریم تویسرکانی، از سال ۱۳۴۶ ضمن تحصیل در هنرستان عالی موسیقی با ارکسترهای مختلف رادیو، از جمله: ارکستر رودکی همکاری خود را شروع کرد. تویسرکانی، پس از اتمام دوره هنرستان عالی موسیقی، وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شده و اینک، بعنوان مدرس، در هنرستان عالی موسیقی تهران به آموزش ویلن سل اشتغال دارد.

توئی، پیام (Payām Towī) : نوازنده ویلن و از شاگردان ممتاز استاد مهندس همایون خرم.

تنها، عباس (Abbās Tanhā) : از نوازندگان مشهور ضرب که فعالیت چشمگیری در پیش از انقلاب داشت.

تهامی، حسن (Hasan Tahāmi) : از صداپردازان و صداگذاران در رادیو تلویزیون ایران که در تهران فعالیت دارد.

تهران، تاتر (Teātre Tehrān) : تاتر قدیمی تهران در سال های ۱۳۲۰ و پس از آن که محلی برای فعالیت خوانندگان آن زمان بود.

تهران، هنرکده موسیقی (Honarkadeye Musiqiye Tehrān) : واقع در خیابان امیریه به سرپرستی استاد عباس زندی، نوازنده چیره دست سنتور.

تهرانی، اسماعیل (Esmāwil Tehrāni) : از نوازندگان مشهور و قدیمی سنتور که در حال حاضر در لُس آنجلس فعالیت دارد. اسماعیل تهرانی، پس از اخذ دیپلم کامل هنرستان موسیقی در رشته سنتور، به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفته و بدرجه لیسانس نائل آمد. او سال ها، در هنرستان ملی به تدریس سنتور پرداخت و با تغییر رژیم به آمریکا رفت و اینک از موسیقیدان های فعال لُس آنجلس بشمار می رود.

اسماعیل تهرانی مدتی هم بعنوان مدرس موسیقی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به این کار اشتغال داشت.

تهرانی، حاجی حکیم (Hāji Hakim Tehrāni): از خوانندگان دوره ناصرالدین شاه، همدوره با حسین درشکه چی رشتی، حسن خان فکلی، آقاجان ساوه ای، استاد جناب قزوینی و مولا موسی مردرشتی.

تهرانی، حسین (Hoseyn Tehrāni): نوازنده ضرب و استاد بی نظیر تنبک نوازی و از شاگردان مکتب صبا است. صبا، وزن خوانی و نت خوانی را به حسین تهرانی آموخت و ایشان با استفاده از درس های صبا، تنبک نوازی را به نوعی ساز نوازی مبدل کرد.

حسین تهرانی، در سال ۱۲۹۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و از ۱۴ سالگی به نواختن تنبک پرداخت. اولین استاد او، حسین خان اسماعیل زاده بود که آموزش حسین تهرانی را در سال ۱۳۰۷ آغاز نمود. چندی بعد، تهرانی به محضر استاد هائی چون: رضا روان بخش، مهدی غیائی، کنگرلو که در تنبک نوازی تبحر داشتند، رفته و با سبک کار آن ها آشنائی پیدا کرد. آشنائی تهرانی با استاد ابوالحسن صبا در سال ۱۳۱۸ خورشیدی بود. در سال ۱۳۱۹، وقتی رادیو ایران تاسیس شد، همکاری خود را با این سازمان آغاز نمود. استاد حسین تهرانی در سال ۱۳۲۳ به مدرسه موسیقی کلنل وزیری رفت و تدریس تنبک را در این مدرسه بهعهده گرفت. استاد تهرانی برای اولین بار در تاریخ موسیقی ایران، گروه تنبک ایجاد کرد. ایشان، دستوری نیز برای آموزش ضرب تدوین کرده است. تهرانی در نواختن سنتور نیز مهارت داشتند. این هنرمند بی نظیر، در جوانی، وقتی در یک کارگاه صنعتی کار می کرد، یک چشمش را از دست داد. حسین تهرانی، در یک خانواده فوق العاده مذهبی بزرگ شد که نواختن آلات موسیقی جرم بزرگی محسوب می شد. او در ۱۲ سالگی به زورخانه رفت و ضرب گرفتن مرشد، راهگشای تجلی هنر او شد. او از جمله هنرمندانی است که بدربار پهلوی راه یافت. استاد حسین تهرانی، در تاریخ دوشنبه، هفتم اسفند ۱۳۵۲ خورشیدی در پی بیماری طولانی، چشم از جهان فرو بست.

تهرانی، خسرو (Xosro Tehrāni): نوازنده صاحب نام فلوت که در تهران فعالیت دارد.

تهرانی، عباس (تاش) (Abbās Tehrāni): آهنگساز و نوازنده چیره دست قره نی و از همکاران نزدیک هنرمند گرانقدر علی اکبر شعبان خانی (تورج).

عباس تهرانی، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سن ۸ سالگی، شروع به نواختن نی لبیک کرد و پس از مدتی وارد گروه پیش آهنگی گردید و در دسته "بالابانچی" نوازندگی فلوت را بهعهده گرفت. بعد ها، وارد هنرستان عالی موسیقی شد و اولین معلم او، مین باشیان بود. عباس تهرانی، فراگیری موسیقی در هنرستان را نیمه کار رها کرده و در بیرون از هنرستان از محضر استاد حسین علی وزیری تبار فیض برده و از ایشان ردیف های موسیقی ایران را آموخت.

عباس تهرانی، علاوه بر نواختن قره نی، سازهای دیگری نظیر: ساکسیفون، آلتو و تنبور را نیز بسیار زیبا می نوازد. از این هنرمند دو جلد کتاب در زمینه آهنگ های محلی و دو بیتی های ایرانی به چاپ رسیده است.

تهرانی، مسعود (Maswud Tehrani): مسعود تهرانی، ویلنیست برجسته ایرانی در خارج از کشور در ۴ آبان ۱۳۱۵ خورشیدی بدنیا آمد. اولین استاد او در آموختن ویلن زنده یاد عباس شاپوری بود. مسعود تهرانی در جوانی به اروپا رفته و تحت تعلیم استاد هائی چون فردینال رولاند، فریدز هیمرشک و رودلف یتیل در هامبورگ آلمان قرار می گیرد. مسعود تهرانی از پنجه بسیار شیرینی در نواختن ویلن برخوردار بوده و چهل سال است که این ساز را می نوازد. از مشهورترین شاگردان ایرانی استاد تهرانی می توان به بابک خلجستانی اشاره داشت. استاد تهرانی شاگردان بسیاری از ملیت های مختلف دارد. آگاهی کامل این هنرمند از موسیقی ایران و غرب افتخار آمیز است.

تهرانی، منصور (Mansur Tehrani): کارگردان، نویسنده، آهنگساز و ترانه سرا، منصور تهرانی در سال ۱۳۲۷ در بندر ترکمن بدنیا آمد و از سال ۱۳۵۰ فعالیت پیگیری در امر ساختن ترانه، موزیک فیلم و نوشتن فیلم نامه از او شاهدیم. او برای فیلم "کرکس ها می میرند" فیلم نامه نوشته و موزیک این فیلم را ساخته است. و برای فیلم های "مرز"، "فرمان"، "بازرس ویژه"، "زخمه"، "شیلات"، "بالاش"، "سیاه راه" و "ملخ زدگان" موزیک متن ساخته است.

منصور تهرانی برای برخی از خوانندگان، خصوصاً زنده یاد مازیار آهنگ هائی ساخته که این خواننده آن ها را اجرا نموده است. در این خصوص می توان به: گل گندم، من و شمع، اشاره نمود. ترانه مخلوق با صدای خواننده بزرگ ایران؛ گوگوش، از سروده های منصور تهرانی است.

تهرانی، مهدی (Mehdi Tehrani): نوازنده چیره دست سنتور و استاد تعلیم این ساز که در تهران فعالیت دارد.

مهدی تهرانی، در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و پس از تحصیلات ابتدائی وارد هنرستان موسیقی ملی شد و نواختن ساز سنتور را نزد استاد ابوالحسن صبا و محمد حیدری آموخت. وی تقویری موسیقی را نزد استاد حسن رادمرد فراگرفت.

مهدی تهرانی هم اکنون در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران و هنرستان موسیقی ملی تدریس می کند.

تهماسبی، ارشد (Aršad Tahmāsbī): پژوهشگری که در گردآوری آثار موسیقیدان های قدیمی ایران نظیر: درویش خان و رکن الدین خان مختاری تلاش بسیاری نموده و اثر این هنرمندان را گردآوری و انتشار داده است.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u Z,z زاله (Zāle)

تیپ تاپ [Tip-Top] : شرکت تولید صفحه و پخش آن در تهران که در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی از فعالیت خوبی برخوردار بود.

تیپ لی پیتوم [Tip Li Pitom] : سازی است از آلات موسیقی کوبه ای. این ساز در بین سازهای ارمنی ها متداول بوده و بنام "تیم پلی پیتو" خوانده می شود. تیپ لی پیتوم از دو کاسه همسان تشکیل شده و بر دهانه آن پوست کشیده اند و با دو کوبه چوبی نواخته می شود.

تیدای نور، مجید [Majid Tidāye Nur] : صدابردار و صداگذاری که در رادیو تلویزیون ایران فعالیت دارد.

تیرگانی، هروخان [Hruxân Tirgâni] : از شعرای مشهور دره گز و دامنه های کوه هزار مسجد در شمال خراسان.

تیز آهنگ [Tizâhang] : بلند آواز، پر طنین.

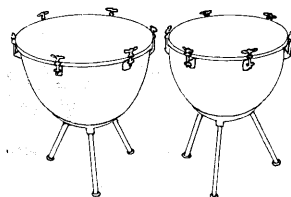
تیزی باخرز [Tiziye Bâxarz] : نام لحنی در موسیقی قدیم ایران است.

تیزی راست [Tiziye Râst] : نام پرده و لحن در موسیقی قدیم ایران است که آن را: گردانیه، نیز گویند و از جمله ۶ آواز مورد بحث کتاب های قدیمی است.

تیغان [Tiqân] : سازی است کوبه ای فلزی. ساختمان این ساز تشکیل می شود از تعدادی تیغه یا لوحه فلزی با قطرهای گوناگون ولی طول یکسان. این تیغه ها را با کوبه صدا در می آورند. تیغان سازی است بزمی.

تیکران [Tikrân] : آهنگساز و تنظیم کننده مقیم آمریکا که از نمونه کارهایش می توان به آلبوم "بوی خوش عشق" با صدای بیژن مرتضوی اشاره داشت.

تیمپانی (Timpāni) : از دسته آلات ضربی است که در هم‌نوازی بکار می‌رود. این ساز بشکل جام بزرگی از جنس مس است که روی آن پوست کشیده و آن را روی پایه‌ای قرار می‌دهند. این ساز با دو چوب که بر سر آن‌ها نمد وجود دارد، نواخته می‌شود. صدای تیمپانی بم است. قطر دهانه این ساز ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر و کاسه‌ای دارد که بین چهار میله پایه دار قرار دارد. کوک این ساز بطریقه اهرم و پدال صورت می‌گیرد.



تیمور (Teymur) : نوازنده، و خواننده ساکن شمال کالیفرنیا.

تیمورتاش، ایرج (Iraj Teymurtāš) : از ترانه‌سرایان قدیمی موسیقی ایران که اوج فعالیتش در سال‌های ۱۳۳۵ و پس از آن بود. از معروفترین ترانه‌های ایرج تیمورتاش می‌توان به: "امید دل من کجائی" با صدای فرح، پروین و دلکش و ترانه جاودان "خدا نگهدار" با صدای ویگن و آهنگ سورن اشاره داشت. ایرج تیمورتاش جزو ترانه‌سرایان دوره دوم موسیقی معاصر ایران می‌باشد.

تیموری، کاکی‌اله مراد (Kaki-Allāh Morād Teymuri) : نوازنده و استاد تعلیم تنبور در کرمانشاه.

تیموری، مهندس (Mohandes Teymuri) : خواننده مشهوری که در خراسان فعالیت دارد. این خواننده همکاری نزدیکی با استاد ایرج امیر نظامی، ترانه‌سرا و آهنگسازی که ترانه جاودانه "گل مریم" از اوست دارد.